

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## بهاران خجسته باد

### بهار زیبا و سال ۱۳۸۵ را بر همه هموطنانمان تبریک می گوئیم

پیام سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت آغاز سال نو - صفحه ۴

#### یادداشت سیاسی

##### تضمین بقای ولایت فقیه از هر طریق

مهدی سامع  
ولی فقیه نظام در مواجه با طرح مساله اتمی رژیم ایران در شورای امنیت ملل متحد، گزینه های گوناگونی را مد نظر قرار داده و برای بیان سیاسی این گزینه ها بین سرسپردگان خود تقسیم کار کرده است. تعدادی به سرکردگی احمدی نژاد نقش بازی را بازی می کنند و تنی چند از مزدوران ولی فقیه در نقش کیوتر ظاهر می شوند و همه ماموریت دارند تا ولایت خامنه ای را از تونلی که می تواند به مرگ نظام منتهی شود نجات دهند.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز پنجشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ نوشت: «رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در نامه ای در پاسخ به نامه مشترک ائتلاف کردستان، جبهه توافق و لیست العراقیه، به احتمال تغییر روش از سوی ائتلاف شیعی یکپارچه، از مقاومت سیاسی به مقاومت مسلحانه در صورت اصرار ورزیدن اشغالگران بر عدم خروج از عراق اشاره کرد.»  
بقیه در صفحه ۲

سرمقاله ..

##### طرح آمریکا فاز جدید در برخورد به

##### جمهوری اسلامی

صفحه ۳

##### رویدادهای جنبش کارگری در اسفند ۸۴

صفحه ۵

##### جدال بر سر تقسیم قدرت در عراق

##### بعد از انتخابات

صفحه ۹

#### درگذشت کاک محمد برزگر پدر فدایی

##### شهید رفیق اسماعیل برزگر

با تائر و تاسف مطلع شدیم که روز چهارشنبه ۱۷ هم اسفندماه سال ۱۳۸۴ کاک محمد برزگر پدر فدایی شهید رفیق اسماعیل برزگر در سن ۷۶ سالگی به علت بیماری در شهر بوکان درگذشت و در همان روز در مراسمی بزرگ و باشکوه با حضور شمار زیادی از مردم شهر بوکان و روستاهای اطراف در زادگاه خود در روستای فروچاه از توابع شهرستان بوکان در کنار فرزند شهید خویش به خاک سپرده شد.

فدایی شهید رفیق اسماعیل برزگر در ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۱ همراه ۹ تن از همزمان خود در یک نبرد قهرمانانه و نابرابر با نیروهای سرکوبگر رژیم در مسیر جاده بوکان - سقز در راه آزادی و سوسیالیسم جان باخت.

#### پیام تسلیت سخنگوی سازمان چریکهای

##### فدایی خلق ایران به خانواده برزگر

خانواده گرامی برزگر، کاک ابراهیم عزیز با تاسف و تائر بسیار از درگذشت کاک محمد برزگر (پدر فدایی شهید اسماعیل برزگر)، از جانب خود و رفقاییم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فقدان زنده یاد آقای محمد برزگر را به شما و تمامی خانواده آقای محمد برزگر تسلیت می گوئیم.  
با امید که در جشن بهار و با پیروزی مردم ایران بر مزار همه ی عزیزان گردهم آئیم سلامت و موفق باشید

مهدی سامع

سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۴ - ۱۴ مارس ۲۰۰۶



#### صلح، عدالت، آزادی، برابری و

##### همبستگی

به مناسبت روز زن و گرامیداشت آن، زنان تهران در پارک دانشجو تجمعی عدالتخواهانه برگزار کردند. آنها که عزمشان را جزم کرده اند که تا دستیابی به حقوق حقه شان ساکت ننشینند، خواسته هایشان را بر ورقهایی از کاغذ نوشته، استوار و محکم در میدان حاضر شدند. این واقعیت که آنها در زیر چکمه مزدوران ولایت فقیه و عربده بد مستانه انصار و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی، فریاد آزادیخواهی سر می دهند، نشان می دهد کسانی که فکر می کنند می توانند با باتوم برقی و چماق و زنجیر و قداره زنان را به کنج آشپزخانه برانند و از آنان برده های دست آموز بسازند، ناتوان تر از آبی هستند که فکر می کنند. فرماندهان بی شرم نیروی انتظامی و عناصر خود فروخته اطلاعاتی با عنوان پاسداران جهل و تباهی به صفوف زنان و دخترانی حمله بردند که شعارشان عدالت، آزادی و برابری بود.

یکی از شعارهای زنان «جهان دیگری ممکن است» بر روی پلاکاردی بزرگ نوشته شده بود. بدون شک زنان از سازندگان اصلی چنین جهانی خواهند بود.

#### جهانی سازی سرمایه و تاثیر آن روی زنان

صفحه ۱۱

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

زمینه انرژی به این دو خبر توجه کنید.

به نوشته شماره روز دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۴ روزنامه ایران وزیر نیرو گفته است: «پیش بینها نشان می دهد که تا ۱۰ سال آینده میزان مصرف برق در کشور دو برابر خواهد شد و به هیچ وجه منابع سوختی ما برای آن زمان کفاف نمی دهد لذا چاره ای نداریم که به سمت تولید انرژی برق از نیروگاه های هسته ای برویم.» در مورد این که آیا منابع معدنی اورانیوم در ایران برای چه مقدار تولید انرژی کفاف می دهد، همه ی دست اندرکاران رژیم سکوت می کنند. اما مجله امید جوان در شماره روز یکشنبه ۱۴ اسفند از قول احمد شیرزاد نماینده مجلس ششم نوشته است: «ما دو معدن شناخته شده اورانیوم در یزد و بندرعباس داریم که از مجموعه ذخایر آنها تاکنون یک گرم هم برداشت نشده، ۱۴۰۰ تن سنگ معدن اورانیوم است که اگر هم تمام آن استخراج شود تنها می تواند به مدت هفت سال سوخت نیروگاه بوشهر را تامین کند.»

با این گفته روشن می شود که ادعای تهیه سوخت نیروگاه اتمی و کسب استقلال یک دروغ بزرگ است. اما این میزان سنگ معدن در صورتی که کار غنی سازی ادامه یابد برای ساختن چند بمب اتمی که خامنه ای برای تضمین بقای ولایتش لازم دارد کفایت می کند. بیهوده نیست که خامنه ای با بسیج مزدورانش و با سپردن نقش باز و کیوتر به آنان و با استفاده از همه ی ابزارها و حربه ها و منجمله روش مذاکره با طرفهای خارجی تا کنون زمان خریده است.

روزنامه دولتی جام جم که زیر نظارت و کنترل کامل دفتر خامنه ای است در شماره روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۴ می نویسد: «بخشی از پیشنهادهای مسکو تضمینهای امنیتی گسترده و عضویت ایران در یک سازمان امنیتی منطقه ای به رهبری روسیه و چین است.» جام جم در ادامه نوشته: «به نظر می رسد ایران در این زمینه علاقه زیادی به پیشنهاد روسیه نشان نداده است چرا که تهران به دنبال ضمانت امنیتی رسمی پیمان عدم تجاوز به ویژه از سوی آمریکا است.»

ضمانت رسمی از جانب آمریکا برای «عدم تجاوز» و یا به بیان دقیقتر تضمین بقای استبداد مذهبی ولایت فقیه که نتیجه آن به رسمیت شناختن موقعیت رژیم ایران در ترتیبات منطقه ای است، هدف سیاستها و تاکتیکهای ولایت خامنه ای در شرایط کنونی است.

## اعدام در ملاء عام برای

## زهر چشم گرفتن

## از مردم است

جعفر پویه

بار دیگر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با برپا کردن چوبه دار در ملاء عام، دو تن از متهمان بمب گذاری در شهر اهواز را پیش چشم مردم حلق آویز کرد. اینکه این افراد چه موقع دستگیر شده و مراحل قضایی پرونده در چه حالتی طی شده، سوالاتی است که با توجه به عملکرد ۲۷ ساله رژیم از قبل قابل پیش بینی است. اما چرا رژیم در این موقعیت و اکنون به فکر حلق آویز کردن چند جوان در انتظار عمومی افتاده است، گویای وضعیت متزلزل آن در بین اقلیتهای قومی است.

خبرگزاری حکومتی ایرنا از قول اداره اطلاعات و روابط عمومی دادگستری خوزستان می نویسد: «این حکم در راستای برخورد قاطع قضایی با عوامل ناامنی و ایجاد آرامش در مردم، از سوی دادگاه انقلاب اهواز صادر و در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور تایید و ابرام شد.» در همین چند جمله، دادگستری خوزستان اعلام می کند که حکم اعدام برای زهر چشم گرفتن از عوامل ناامنی و ایجاد آرامش از سوی دادگاه انقلاب صادر شده است. برای شناسایی عوامل ناامنی باید به اعتراضات مردم در ماه های گذشته پرداخت که طی آن مزدوران سرکوبگر رژیم چندین تن از جوانان خوزستانی را به قتل رسانده و عده ای را نیز بازداشت کردند.

اما همزمان با این اعتراضات، یعنی پس از کشف شکنجه گاهی در عراق که تحت سرپرستی عوامل ولایت فقیه اداره می شد، به ناگاه بمبهایی در کنار گوشه شهر اهواز منفجر شد که رژیم عوامل انگلیس را در آن دخیل دانست و برای کم رنگ کردن نقش خود در شکنجه گاه های عراق، مدتها بر سر آن با نظامیان انگلیسی مستقر در بصره بگو مگو داشت.

معاون سیاسی امنیتی استانداری خوزستان، یکی از اتهاماتی را که به علی عفرای و مهدی نواصری، دو جوان اعدام شده نسبت می دهد، «وهابی گری» و «سلفی گری» است: «این افراد گرایشات وهابی گری و

سلفی گری داشته و هدف اصلی آنها تشدید اختلافات قومی و مخدوش کردن وحدت ملی و ناامن جلوه دادن استان خوزستان بوده است».

کافی است دیگران بدانند که وهابی و سلفی نیز از فرق اسلامی است که بعضی از مردم جنوب کشور به آن منتسب هستند. اما رژیم خودکامه ولایت فقیه گرایش به این مذاهب را جرم نامیده و خود را مجاز به اعدام پیروان آنها می داند. این همان رژیمی است که خود را طرفدار گفتگو بین مذاهب می نامد و از ایران با نام ام القرای مسلمین نام می برد.

اما همه این ترفند ها برای سرکوب جنبش آزادیخواهانه مردم در خوزستان است و شو تلوویزیونی ای که رژیم در آن متهمان را وادار به پذیرش اتهاماتی واهی کرده است نیز در بین مردم خریداری ندارد.

رژیم ولایت فقیه تعداد بسیاری از جوانان شهرهای خوزستان را دستگیر کرده است و از آنان به عنوان گروگانهایی در مقابل جنبش مردم استفاده می کند. عده زیادی از جوانان در زندان بسر می برند و جان همگی آنها در خطر است. از سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسانها انتظار می رود، به طور جدی تری با این اعدامها برخورد کنند وگرنه در روزهای آینده باید شاهد برپا شدن چوبه های دار در دیگر نقاط شهرهای جنوب و دیگر شهرهای کشور باشیم.

۱۲ اسفند ۱۳۸۴



## سرمقاله

## طرح آمریکا، فاز جدید در برخورد به جمهوری اسلامی

منصور امان

ملموس بر رفتار جمهوری اسلامی را تعیین کند، هنوز در نخستین مراحل شکل‌گیری خود به سر می‌برد و تنها پس از به فرجام رسیدن آن است که تغییر فاز به مثابه دستور کار روز طرح خواهد گردید. سیاست کاخ سفید در این زمینه بر پایه خطوطی قرار گرفته است که پیش شرطهای ارجاع پرونده مَلاها به شورای امنیت را از طریق مشارکت با متحدان خود تأمین نمود. تأکید مسؤلان سیاست خارجی آمریکا بر "تغییر مسالمت آمیز" و "دموکراتیزه شدن ایران" بخشی از مولفه‌های سیاسی مرحله جدید و راهکارهایی است که در اختیار می‌گذارد.

وجه مشخصه دیگر در طرح "ارتقا دموکراسی در ایران"، در ماهیت تبلیغاتی آن نمایان می‌شود. راه اندازی یا تقویت شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ماهواره‌ای که نقطه نقل راهکارهای اجرایی این طرح را تشکیل می‌دهد، بی‌گمان روش موثری برای تأثیر گذاری بر افکار عمومی جامعه ایران و از این راه، کار روی تضادهای آن با حکومت است. در این میان، آنگونه که از توضیحات پاپوران آمریکایی و نیز سخنان آقای استراو، وزیر امور خارجه انگلیس در انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک بر می‌آید، سمتگیری عمده کارزار تبلیغاتی مزبور را پُر رنگ کردن وجوه تمایزی تشکیل می‌دهد که آمریکا بین "مردم ایران" و "حکومت ایران" قابل است. این سیاست در هماهنگی با تفسیر ایالات متحده از "دموکراسی" قرار دارد که گسترش نفوذ خویش را مُترادف آن مُعرفی کرده است.

در این راستا، اشاره طرح یاد شده به قصد آمریکا برای "کمک به انجمنهای غیر دولتی و اتحادیه‌های صنفی"، در سطح یک تصمیم بدون دایره عمل باقی می‌ماند. این امر بیشتر از آنکه از پیگردهای امنیتی رژیم مَلاها سرچشمه بگیرد، ریشه در ماهیت نامردهای دریافت کمک و نوع وظایفی دارد که آنها در برابر خود قرار داده‌اند. نگاهی به نوع رابطه سازمانهای غیر دولتی و اتحادیه‌ها در آمریکا با کاخ سفید، می‌توانست تصویر روشنتری از چگونگی تنظیم رابطه با نهادهای مشابه در ایران به مسؤلان سیاست خارجی آمریکا ارائه کند. از این رو، به نظر می‌رسد ابتکار مزبور گوهره‌ی وجودی خود را به عنوان بخشی از سیاست عمومی ایجاد فشار بر جمهوری اسلامی کسب کرده و از سوی دیگر، بستری برای پر و بال دادن به گروه‌های هوادار آمریکا در میان اپوزوسیون رژیم مَلاها در خارج کشور باشد

بقیه در صفحه ۴

سنا خواست، بودجه ۷۵ میلیون دلاری در خواست شده توسط وزیر امور خارجه را تصویب کنند. او محللهای هزینه بودجه مزبور را کمک به پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، کمک به سازمانهای غیردولتی و اتحادیه‌های صنفی، تقویت رابطه سازمانهای غیردولتی آمریکایی و غیره با مردم ایران در داخل و خارج، پشتیبانی از تلاشهای اینترنتی و سرانجام اهدای بورس تحصیلی و امکانات آموزشی برشمرد.

## نگاه جزئی تر به طرح آمریکا

در حقیقت، روشنترین علامتی که سیاست ایالات متحده در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی را علامت گذاری می‌کند، چگونگی برخورد آن با چشم‌اسفندیار رژیم ولایت فقیه یعنی مخالفت گسترده داخلی و عدم مشروعیت اجتماعی برآمده از این تناسب است. هر گاه در نظر گرفته شود که جمهوری اسلامی بزرگترین بحران خارجی خود را مدیون تلاش برای حفظ قدرت و ایجاد ثبات داخلی می‌باشد، آن گاه می‌توان میزان حساسیت و اهمیت این موضوع در کادر جدال کنونی آمریکا و رژیم ولایت فقیه را دریافت. آمریکا با منظور کردن این فاکتور به عنوان بخشی از تلاشهای خود برای رویارویی با جمهوری اسلامی و همزمان تبلیغات گسترده پیرامون آن، زیر سیاست خود در برابر مَلاها به طور کلی، خط تأکید کشیده است. پُرسش تنها این است که جایگاه فاکتور مزبور در سیاست عمومی ایالات متحده کجاست و در رابطه با اجزای دیگر آن که آقای برنز یادآور شده است، کدام نقش را ایفا می‌کند.

تمایز پذیرترین وجه سیاست "ارتقا دموکراسی در ایران"، استفاده از آن به عنوان ابزار فشار علیه جمهوری اسلامی است. این مشخصه را هم از درونمایه و هم از جوانب اجرایی آن می‌توان برگرفت. نتیجه‌گیری مزبور بدان مفهوم است که "تغییر رژیم" به مثابه اقدامی بی‌واسطه و به سبک پراندازی رژیم عراق، در دستور کار آمریکا قرار ندارد. تامل آمریکا بیش از هر امر دیگری بر انباشته نشدن ظرفیت فشار پُرای تغییر رفتار جمهوری اسلامی بنا شده است. پروسه‌ای که می‌تواند کارآمدی یا نا کارایی تدابیر به کار گرفته شده به منظور تأثیرگذاری

۱- تلاش جمهوری اسلامی در جهت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای  
۲- هدایت و تأمین مالی تروریسم توسط حکومت ایران  
۳- قصد جمهوری اسلامی برای تسلط بر خاورمیانه به عنوان قدرتمندترین کشور در منطقه خلیج فارس  
۴- سرکوب امیدهای دموکراتیک مردم ایران  
آن گاه معاون وزارت امور خارجه آمریکا به توضیح اقداماتی که ایالات متحده تاکنون علیه محورهای مزبور انجام داده است پرداخت. او ارجاع پرونده هسته‌ای مَلاها به شورای امنیت و ایجاد همگرایی بین‌المللی پیرامون لزوم برخورد به آن را از مهمترین گامهای آمریکا در محور نخست معرفی کرد.

پیرامون چگونگی برخورد آمریکا در محورهای ۲ و ۳، آقای برنز به اعضای کمیته سنا توضیح داد، ایالات متحده در عراق با "صرف هزینه گزاف" در حال خنثی کردن "شبه نظامیان فرقه‌ای و گروههای افراطی" از یک سو و "توسعه سیاسی" این کشور از جانب دیگر می‌باشد. وی همچنین در مورد مقابله با کانالهای نفوذ جمهوری اسلامی در لبنان، تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت که خواستار خلع سلاح شبه نظامیان این کشور شده است و نیز برخورد با سوریه را گامی در این جهت برشمرد. پیرامون رویکرد کاخ سفید در برابر حماس آقای برنز یادآور شد، ایالات متحده از طریق حمایت از هیات چهارگانه و پرهیز از اقداماتی که "به سود جاه طلبیهای افراطی رژیم ایران" تمام بشود، در این زمینه فعالیت می‌کند. او جلب پشتیبانی کشورهای عربی برای فشار روی رژیم ایران "به خاطر حمایت از تروریسم و تهدید همسایگانش" را بخشهای دیگری از اقدامات آمریکا در این پهنه معرفی کرد.

در باره محور چهارم، معاون خانم رایس گام اصلی را "پشتیبانی از مردم ایران در انگیزه‌هایشان برای آزادی" دانست. وی استدلال کرد: "ایرانیان راههای بسیاری برای بر دباری در سیستمی که تلاش می‌کند آنها را از پایه‌ای ترین حقوق و فرهنگشان محروم کند یافته‌اند و ما مطمئن هستیم که آنها راههایی را نیز برای تغییر این سیستم خواهند یافت." آقای برنز به همین منظور از اعضای کمیته

بررسی پرونده اتمی رژیم در شورای امنیت سازمان ملل را می‌توان یک موفقیت برای سیاست خارجی ایالات متحده ارزیابی کرد. تبدیل بلند پایه ترین نهاد بین‌کشوری در پهنه جهانی به یک طرف بحران اتمی جمهوری اسلامی، از یک سو امکانات عملی گسترده‌ای برای جلوگیری از دستیابی رژیم مَلاها به سلاح هسته‌ای در اختیار آمریکا گذاشته و از سوی دیگر، تلاش این کشور در جهت هدف مزبور را زیر چتر همگرایی بین‌المللی قرار داده است. اکنون و در سایه فاز جدید بحران یاد شده، اقدامات و تدبیرهای جدی‌گانه ایالات متحده در برخورد به جمهوری اسلامی، برخلاف نمونه عراق گامهایی در امتداد یک توافق بین‌المللی به شمار می‌رود و به همین جهت نیز درجه پذیرش بین‌المللی و کارایی مادی آن به گونه‌ی توجه‌پذیری افزایش یافته است. این فاکتور، میدان مانور کاخ سفید پیرامون مسأله ایران را بدون هراس از متهم شدن به انجام اقدامات یک جانبه یا توسعه طلبی از سوی متحدان خود می‌گشاید و همزمان حرکت در مسیرهایی که سیاست خارجی آمریکا می‌بایست به منظور استفاده حداکثر از شرایط جدید پیماید را در دستور کار آن می‌گذارد.

## پهنه‌های عمل سیاست خارجی آمریکا در برابر

## جمهوری اسلامی

در این راستا، طرح آمریکا به نام "ارتقا دموکراسی در ایران" که بی‌درنگ پس از قطعی شدن وجود توافق برای ارجاع پرونده فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت روی میز کنگره آمریکا قرار گرفت، شناسه‌های دوران جدید را برجسته می‌کند. طرح یاد شده بخشی از پلانفرم چند گانه‌ای است که جزییات آن را آقای نیکلاس برنز، معاون وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان "سیاست ایالات متحده در برابر ایران" به اعضای کمیته سنا در این کشور ارائه کرد. وی به منظور تأکید بر اهمیت تدوین این سیاست یادآور شد: "در تابلو خاورمیانه، رویارویی با سیاستهای ایران تقدّم دارد." سپس آقای برنز حوزه‌هایی که تدابیر آمریکا متوجه آنها است را این گونه بر شمرد:

## پیام نوروزی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله .....

بقیه از صفحه ۳

## پرونده تخلفات اتمی رژیم به شورای امنیت سپرده شد

جعفر پویه

بالاخره پس از مدتها کشاکش بین نمایندگان رژیم ولایت فقیه و شورای حکام آژانس انرژی اتمی، پرونده تخلفات رژیم به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شد. هرچند شورای حکام در ماه گذشته این پرونده را به شورای امنیت گزارش کرده بود اما رژیم ولایت فقیه یک ماه فرصت داشت تا به قطعنامه های شورای حکام گردن گذارد و با توقف غنی سازی، زمینه را برای مذاکرات بعدی آماده نماید. اما رژیم ولایت فقیه که سعی داشت با به روی میز کشیدن طرح پیشنهادی روسیه برای غنی سازی در آن کشور، باز مدتی جامعه بین الملل را سرگرم کند تا بتواند به هدفش که همان ساختن بمب اتمی است، دست یابد در این کار نیز ناکام ماند و همه حيله و نیرنگهایش برای وقت کشی بر ملا شد.

حال با پیش آمدن وضعیت موجود، رژیم ولایت فقیه بر سر دو راهی ای قرار گرفته است که یک طرف آن عقب نشینی از همه مواضع تا کنونی اش است و طرف دیگر، قرار گرفتن روبروی جامعه بین الملل که سعی خواهد کرد با پیش کشیدن تحریمهای مرحله به مرحله آنرا در به دست آوردن بمب اتمی ناکام بگذارد.

از پیش قابل پیش بینی است که رژیم ولایت فقیه نخواهد توانست گامی رو به عقب بردارد زیرا ساختار نظام استبدادی به گونه ای است که اگر اولین قدم را برای عقب نشینی بردارد، گامهای بعدی به سرعت به آن تحمیل خواهد شد و این یعنی به هم ریختگی کل سیستم مبتنی بر ولایت فقیه. با توجه به این موضوع، رژیم پای در راهی گذاشته است که خود نیز عاقبتی برای آن در نظر ندارد. به همین دلیل بار دیگر سیاستهایش به امید خدا و توکل به روز مرگی خواهد بود. در این وضعیت شرایط برای مردم روز به روز مشکل تر خواهد شد و فشارهای بین المللی قبل از اینکه پایوران رژیم و دزددهای سرگردانه لانه کرده در نهادهایش را هدف قرار دهد، وضعیت معیشت و بهداشت مردم را به قهقرا خواهد برد.

در چنین موقعیتی و در برابر رژیم بی‌غی، جامعه بین الملل از ابزارهای خود استفاده می کند اما مردمی که تحت فشار سیاستهای بحران زای رژیم ولایت فقیه قرار دارند، باید دست به کار شوند و قبل از این که بنیانهای اجتماعی و اقتصادی جامعه بیش از این تخریب شود و از هم بپاشد، بساط مستبدین حاکم را برچینند. و گرنه به دلیل مشکلات اقتصادی ای که گریبان جامعه را خواهد گرفت، رژیم برای ساکت کردن معترضین سرکوب وحشیانه را در دستور قرار خواهد داد و در این راه از هیچ عملی فروگذار نخواهد کرد. همچنانکه از هم اکنون نشانه های آن با اعدام زندانیان سیاسی و بر پا کردن چوبه های دار در ملاء عام بارز شده است. همه اینها با هدف زهر چشم گرفتن و راندن مردم به عقب صحنه انجام می شود که نیاز رژیم برای ادامه حیات ننگین اش است.

۱۸ اسفند ۸۴

## واکنشها

با فراخوان ولی فقیه حکومت به "انسجام ملی"، دستگاه قدرت در جمهوری اسلامی به آرایش داخلی خود در برابر شرایط جدید رفته است.

مُخاطب اصلی، رهبران طبقه نو کیسه ای است که در "دوران سازندگی" حُجّت الاسلام رفسنجانی شکل گرفت و طی "دوران اصلاحات" نفوذ اقتصادی خود را گسترش داد. بُحران در مُناسبات خارجی جمهوری اسلامی، به ویژه هنگامی که چشم انداز برون رفت از آن تیره به نظر برسد، مُخالفت این طبقه با سیاست کنونی و کارگردانان آن را در پی خواهد داشت. امری که به نوبه خود موقعیت عمومی "نظام" در برابر مُقاومت پیش بینی پذیر جامعه را تضعیف خواهد کرد. با این وجود، تلاش باند ولایت برای جلب نظر شرکای رنجیده خاخره خود، یک سیاست واقعی در جهت سهیم کردن آنها نیست. هدف در درجه نخست، آرایش صف بندیهای درونی گرد بُحران هسته ای و ترسیم خطوط جدید "خودی" و "غیر خودی" از درون پاسخ مُثبت یا منفی به آن است. "انسجام" پیشنهادی ولی فقیه، زمینه تصفیه های گسترده در باندها و گرایشهای درونی "نظام" و انسجام بخشی به دستگاه قدرت برای روبرو شدن با هر دو حالت تشدید بُحران یا عقب نشینی را فراهم می آورد. امری که در جهت گیری نهایی، با نظر به خطر اصلی یعنی، جامعه ایران و مهار واکنشهای آن صورت می پذیرد.

طرح آمریکا همچنین اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی را به تحرک تشویق کرده است. آنها که گمان می برند با اختصاص بودجه توسط آمریکا برای فعالیتهای تبلیغی علیه جمهوری اسلامی، پیام روشنی از جانب این کشور دریافت کرده باشند، به تجدید سازماندهی خود پرداخته اند. این حقیقت که مضمون سیاسی تلاشهای جدید این طیف از خطوط اشاره شده توسط خانم رایس و معاون او در راهبرد دولت آمریکا تشکیل شده است، نمی تواند به راستی شگفت انگیز باشد. این امر بیش از همه در تلاش طیف مزبور برای سازگار نمودن سمتگیری خود با شرایط جدید و بهره گیری از آن نهفته است. رویکرد مزبور، با چیزی کمتر از انحلال طیف راست اپوزیسیون در طرح تازه سیاست خارجی ایالات مُتحد برابر نیست. این همزمان به معنای فراز و فرود این طیف با تاملات آتی دستگاه مزبور در برابر رویدادهای جاری یا در پیش می باشد.



سیاستهای ضد مردمی نظام حاکم به کمک نیاز دارند مدد رسانیم.

مردم مقاوم ایران زمین در سال گذشته سرکردگان جمهوری اسلامی برای حفظ قدرت ننگینشان علاوه بر سرکوب مردم ایران به ماجراجوییهای خود در صحنه بین المللی و منطقه ای ادامه دادند. مسئولان حکومت ایران می خواهند بار هزینه ماجراجوییهای خود را بر دوش ما مردم ایران بگذارند. اما مردم ایران با تمام وجود از ماجراجوییهای استبدادی مذهبی حاکم بر ایران نفرت و انزجار داشته و در مقابل جنگ و یا کمک به بقای نظام ولایت فقیه خواستار تغییر رژیم ایران به یک جمهوری دمکراتیک و غیر دینی هستند.

زنان و مردان ایران زمین، پدران و مادرانم، خواهران، برادران و فرزندانم، دوستان، رفقایم، دستتان را می فشارم، شما را در آغوش می گیرم و آرزو می کنم که سال ۱۳۸۵، سال آزادی مردم ایران از چنگال اهریمنان و مرتجعان حاکم بر ایران زمین باشد. امید آن که سال جدید سال برپیده شدن بساط ننگین استبداد مذهبی ولایت فقیه و فرا رسیدن بهار آزادی و عدالت باشد. شاد و سرفراز باشید

مهدی سامع  
دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۸۴

هم وطنانم  
عید نوروز و آغاز سال ۱۳۸۵ را از جانب خدوم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه ی شما تبریک و شادباش می گویم. هر روزتان نوروز و نورزتان پیروزباد. برایتان سلامتی،

سرسبزی، سرافرازی، عشق، دوستی و صلح و آزادی آرزو می کنم.

چشم بهار جشن بیداری و شکوفایی طبیعت و عید نوروز که برای ما ایرانیان کهنترین، پایدارترین و مهیجترین جشن ملی است همواره به وسیله شب پرستان و مرتجعان به سخره گرفته شده است. اما ایرانیان همیشه از این جشن پر سرور پاسداری کرده اند و ما اکنون و در حالی که نسیم بهاری، مژده ی به سرآمدن زمستان و دگرگونی و زایش طبیعت را می دهد، اکنون که طبیعت در حال دگرگونی با هزاران رمز و رازش نوید بهاری دیگر را می دهد، آرزو می کنیم که همه ی شیفنگان صلح، دوستی، آزادی و عدالت بتوانند در سال جدید گامهای بزرگ برای دگرگونیهای اجتماعی و برای جهانی دیگر، جهانی سرشار از عشق و دوستی و خالی از هر نوع ستم و تبعیض بردارند.

هم وطنانم

اکنون که سال جدید را آغاز می کنیم بسیاری از زنان و مردان، بسیاری از کارگران و مزدبگیران و زنان و دانشجویان دلیر کشورمان، به جرم آزادیخواهی و دفاع از حقوق برحقشان در زندانهای نظام جهل و جنایت حاکم بر ایران هستند. با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی و عقیدتی که تحت شدیدترین شکنجه ها و رفتارهای ضد انسانی قرار دارند، به یاری خانواده های آنان و خانواده های کسانی که در راه آزادی جان باخته اند بشتابیم.

به جوانان کشورمان و کودکان بی سرپرست و به بی خانمانان و کارتون خواهها که به علت

## رویدادهای جنبش کارگری در اسفند ماه ۸۴

زینت میرهاشمی

شکنجه هستند و کارگرانی که آزاد شده اند از شغل خود محروم شده اند. سرکوب از یک طرف و وضعیت بحرانی و رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و عدم تامین شغلی مهاجرت متخصصان را به همراه داشته و همچنان ایران در ردیف کشورهای است که بیشترین موج فرار مغزها از کشور را دارد.

به گزارش ایلنا شنبه ۶ اسفند دکتر پورفیض رئیس پارک علم و فن آوری استان آذربایجان شرقی در کارگاه آموزشی توسعه استراتژی اتحادیه کارگری، جهانی سازی و خصوصی سازی در تبریز گفت: «ایران در مقایسه با ۹۱ کشور در حال توسعه از نظر فرار مغزها رتبه اول را دارد.»

وی اضافه کرد «سالانه ۱۵۰ هزار نفر مهاجرت می کنند. از ۱۲۵ نفر دانش آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای جهانی رتبه عالی کسب نموده اند ۷۵ درصد آنها در دانشگاههای خارج تحصیل می کنند. در سال گذشته از ۳۷۶ نفر برگزیده المپیادهای علمی ۱۰۹ نفر مهاجرت کرده اند.»

پورفیض در رابطه با صدمه مالی که از فرار مغزها به اقتصاد ایران وارد شده است می گوید که: «فرار مغزها ۲ هزار میلیارد دلار به ایران خسارت وارد کرده که معادل فروش صد سال نفت ایران است.»

پایان هر سال تعیین حداقل دستمزد از طرف کمیته ای مرکب از نمایندگان دولت، کارفرما و به اصطلاح نماینده کارگران تعیین می گردد. در غیاب نماینده واقعی کارگران و عدم توجه به سید هزینه کارگران همراه با رشد تورم، این حداقل دستمزد هر ساله کارگران را به خط فقر نزدیک تر کرده است.

در حالی که خط فقر از طرف اعضای وابسته به نهادهای کارگری دولتی، ۲۰۰ هزار تومان اعلام شده است (این رقم در آمارهای داده شده در رسانه های رژیم به ۳۰۰ هزار تومان می رسد)، حداقل دستمزد از طرف وزارت کار برای کارگران در سالی که اکنون آغاز شده است، ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده است. افزایش ۲۵ هزار تومان در یک سال که هیچ تناسبی با افزایش نرخ تورم و رشد قیمتها ندارد. با توجه به فاصله عظیم حقوق تعیین شده از طرف شورای عالی کار با سید هزینه کارگران و مزدبگیران از سال ۵۷ تا کنون، هر سال شمار بیشتری از کارگران به لشکر فقیران افزوده می شوند. فقر طی این سالها در میان مردم طبقه متوسط و زحمتکش همگانیت

ولی فقیه نظام با برگراری احمدی نژاد به ریاست جمهوری و تشدید بحران در خارج از مرزهای ایران با دستهای بازتری به سرکوب جنبشهای اجتماعی، بگير و بند و اعدام دست می زند. مدافعان جهل و جنایت در شرایط بحرانی چهره خشن خودشان را در همه ابعاد زندگی مردم نشان می دهد. مردم ایران در برابر این گستاخی و در پیکار مقاومت خود راه حلهای نو بر می گزینند. زنان شجاعانه در ۸ مارس شعار «جهانی دیگر ممکن است»، «صلح، عدالت و همبستگی» را سر می دهند و خود را سازندگان این جهان می دانند. کارگران و مزدبگیران با اعتراض خود ژستهای پوپولیستی احمدی نژاد را فریب دانسته و نشان می دهند که او از دل سیاستهای ولی فقیه سربرآورده و قلبش برای این نظام می تپد نه برای مردم.

گروه دیده بان حقوق بشر در اطلاعیه ای با استناد به مطبوعات رژیم اعلام کرد که «از هنگامی که احمدی نژاد ریاست جمهوری ایران را به عهده گرفته، شمار اعدام در این کشور افزایش یافته است و تنها در بهمن ماه (۲۱ ژانویه تا نوزدهم فوریه) گذشته ده نفر اعدام و ۲۱ تن دیگر به اعدام محکوم شده اند.» به این پرونده جنایتکارانه رژیم باید افزایش ضرب و شتم کارگران، دستگیری کارگران شرکت واحد و زیر فشار قراردادن فعالان سندیکایی و نیز سرکوب زنان را اضافه کرد.

رژیم ایران در دوره حکومت ننگین و جنایتبارش نشان داده که در لحظه های بحرانی در حین نشان دادن قدرت، از ترس و زبونی و برای حفظ پیکر فرتوت نظام، سرکوب را بالا برده و دست به سرکوب کارگران، مزدبگیران، زنان و نیز زندانیان سیاسی می زند. نمونه آن ضرب و شتم کارگران «پوشش رشت» روز یکشنبه ۲۸ اسفند است.

در ماه گذشته چندین حرکت اعتراضی کارگران مورد یورش ماموران نیروهای انتظامی قرار گرفت که به مجروح شدن کارگرانی که با دستهای خالی برای گرفتن حقوقشان به پا خواسته اند انجامید.

علامرضا میرزایی، عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، روز سه شنبه ۹ اسفند به دنبال احضار، به زندان برده شد. هنوز تعدادی از دستگیرشدگان سندیکای کارگران شرکت واحد در زندان و زیر فشار و

شده است. در واحدهای کوچک تولیدی و یا واحدهایی که قانون کار شامل آنها نمی شود کارگران شاغل در آن حقوقی بسیار کمتر از حقوق تعیین شده دریافت می کنند. بسیاری از کارگران شهرداری تهران، در ازای ۸ ساعت کار روزانه و ۷ روز کار در هفته ۱۱۰ هزار تومان حقوق می گیرند. بر اساس گزارش ایلنا جمعه ۲۶ اسفند، این کارگران ۷ روز در هفته بدون تعطیل رسمی کار می کنند. دبیر انجمن صنفی کارگران خباز واقع در کرمانشاه در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا روز سه شنبه ۹ اسفند گفت که: «۸۰ درصد کارگران خباز استان کرمانشاه کمتر از ۱۰۰ هزار تومان حقوق می گیرند.»

عدم تناسب مزد کارگران و مزدبگیران با سید هزینه زندگی و رشد فزاینده تورم، قدرت خرید کارگران را هر چه بیشتر کاهش می دهد و آنان را به فقر نزدیکتر می کند. علیرضا محبوب نماینده مجلس رژیم در گفتگو با ایلنا جمعه ۱۲ اسفند گفت: «قدرت خرید کارگران ایرانی ۱۲۶ برابر کاهش یافته است.»

در کشوری که از منابع طبیعی سرشار برخوردار است و قیمت نفت با افزایش چشمگیری روبرو بوده است، کودکان کارگران با شکمهای گرسنه سر بر بالین می گذارند و قدرت پرداخت شهریه و خرید دفتر و مداد برای تحصیل ندارند. این افزایش نفت طی چند سال اخیر که رقمی قابل توجه است فقط جیبهای آخوندهای در قدرت و وابستگان آنها را سنگینتر کرده است. سنگینی این ثروت بادآورده در این جیبها را از روی لایحه تصویب شده بودجه سال آینده در مجلس می توان فهمید. تعیین هزینه در این لایحه آن قدر افتضاح آور است که صدای نماینده مجلس رژیم هم در آمده است.

اکبر اعلی نماینده تبریز می گوید: «۷۲۰ میلیارد تومانی که قرار بود برای همسان سازی حقوق بازنشستگان هزینه شود را بین بسیج، صدا و سیما، ناجا و دادگاه ویژه روحانیت تقسیم کردند.»

بر اساس تصویب کمیسیون تلفیق، این ۷۲۰ میلیارد تومان، ۵۰ میلیارد به بسیج، ۵۰ میلیارد به صدا و سیما، ۳۰ میلیارد به وزارت کشور ۳۰ میلیارد به ناجا، ۱۵ میلیارد به دادگاه ویژه روحانیت و ... در نظر گرفته شده است. تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵ از طرف شورای عالی کار که در فقدان نمایندگان مستقل کارگری صورت گرفته است از چالشهای کارگران و مزدبگیران در روزها و ماههای آینده خواهد بود.

روز سه شنبه ۲۳ اسفند، «تفاهنامه ای» بین وزیر کار و فرمانده بسیج امضا شد. بر اساس اظهارات وزیر کار، این تفاهنامه برای ارائه مشاوره شغلی

از طرف بسیج به جویندگان کار امضا شده است. پاسدار وزیر با تقدیر از نقش بسیج در جنگ، خواهان خدمات آنها به بخش کارایی وزارت کار است. سپاه و بسیج به عنوان بازوی نظامی ولایت فقیه تا کنون نقش سرکوب و خشونت را در مورد کارگران، زنان، دانشجویان ایفا کرده است. آخرین نمونه آن روز دوشنبه ۲۳ اسفند، نقش بسیجها در سرکوب اعتراض دانشجویان دانشگاه «صنعتی شریف» در برابر تبدیل دانشگاه به محل گورستان بوده است.

اقدام وزارت کار در حالی صورت می گیرد که عدم امنیت شغلی یکی از تهدیدهای جدی علیه کارگران و مزدبگیران است. در بحرانی که به دنبال سیاست خصوصی سازی و اجرای سیاستهای نئولیبرالیستی سرمایه داری جهانی در ایران پیش آمده است هر روز با لغو قراردادهای طولانی و جایگزینی قراردادهای پیمانی و کوتاه مدت، کارگران بیشتری از کار اخراج شده و به صف بیکاران روانه می شوند. از طرفی دیگر کارگرانی که برای حقوق خود دست به اعتراض و اعتصاب بزنند از داشتن کار محروم می شوند که نمونه آن کارگران زندانی شرکت واحد است که بعد از آزادی از کار محروم شده اند.

وزیر کار با این سیاست بسیج گونه اش و با دخالت دادن پاسدارها در برخورد با نیروی کار، قصد دارد فرصتهای شغلی ایجاد شده را در اختیار کسانی قرار دهد که از کیف سازماندهی بسیج بیرون آمده باشند. برای مثال سهمیه بندی بسیج در ورودی دانشگاهها و یا نهادهای دیگر...

وزیر کار در توجیه این تفاهنامه آشکارا این امر را تأیید می کند و می گوید: «شاید فردی ۲ سال بیکار باشد و فرد دیگری به محض فارغ التحصیل شدن شاغل شود، که فرد دوم از مشاوره شغلی استفاده کرده باشد.» (منظور مشاوره با بسیجها است)

سید محمد حجازی فرمانده بسیج در مورد نقش بسیج در وزارت کار می گوید: «افرادی را که در اردوهای بسیج شرکت می کنند، با خدمات بازار کار آشنا کرده و به عرصه اشتغال واردشان کنیم.» بسیجها و پاسداران که در دولت احمدی نژاد نقش چشمگیری دارند، دست درازی به نیروی کار و مجبور کردن افراد برای راه یابی به اشتغال به داخل شدن در بسیج، تعرض آشکار به شرایط نیروی کار و وضعیت کارگران و مزدبگیران و محکوم است.

در سال گذشته تعدادی از واحدهای تولیدی در اثر بحران و رکود تعطیل شده و هزارها کارگر شاغل آن به خیل بیکاران و بالاتکیفان پیوستند. بر اساس بقیه در صفحه ۶

## رویدادهای جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۵

گزارش ایلنا چهارشنبه ۳ اسفند در سال ۸۴، فقط در استان قزوین ۱۶ واحد تولیدی تعطیل شده است.

۴۰۰ شرکت تولیدی لوازم خانگی و برقی کشور با بحران روپرو هستند که امکان دارد مانند صنایع نساجی به تعطیلی کشانده شوند. این تنها دو نمونه آماری است که در رسانه های رژیم منعکس شده است. ابعاد فاجعه بیش از این آمارها است که می توان از ابعاد اعتراضهای کارگری متوجه آن شد.

بر اساس گزارش خبرگزاری ایلنا جمعه ۱۲ اسفند، ۲۵ واحد تولیدی و صنعتی در استان ایلام از ابتدای سال ۸۴، تعطیل شده و در این مدت بیش از یک هزار و ۳۰۰ کارگر شغل خود را از دست داده اند و بیش از ۱۵۰ واحد تولیدی در سطح استان ایلام دارای بحران مالی و در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار دارند. بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا روز شنبه ۱۳ اسفند ۸۴، بیش از ۱۰۰ واحد تولیدی و صنعتی در پاکدشت در سال ۸۴ تعطیل شده و در اثر آن ۱۵ هزار کارگر بیکار شده اند.

در ماهی که گذشت اعتراضهای کارگری در رابطه با عدم دریافت حقوق، عدم امنیت شغلی، بیکاری و بلاتکلیفی جریان داشت. صدها کارگر «معدن سنگرود» همراه با خانواده هایشان دست به اعتراض گسترده زدند. این کارگران اعلام کردند که به تجمع اعتراض آمیز خود در داخل معدن تا لحظه حرکت مجدد خود به سوی تهران ادامه داده و این بار تا گرفتن حقوق مسلم خود، دست از اعتصاب و اعتراض نخواهند کشید. کارگران این معدن به مدت ۱۳ ماه است که حقوقشان پرداخت نشده و به همین دلیل بارها دست به اعتراض زدند و هفته گذشته به تهران آمدند. در رویدادی دیگر بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت ملی ساخمان ایلام که مدت ۳ ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند دست به اعتراض زدند. کارگرانی که مزد دریافت می کنند با عبور از خط فقر در شرایط نامساعدتری هر روز قرار می گیرند.

هزار تن از کارگران معدن زغال سنگ «همکار» واقع در کرمان در سومین هفته اسفند ماه اعتصاب خود را آغاز کردند و به مدت یک هفته جریان داشت. اعتصاب کارگران این معدن در اعتراض به «عدم طرح طبقه بندی مشاغل، نبود امنیت شغلی و گسترش قراردادهای موقت و تفاوت پرداختیها» است.

کارگران معدن با شرایط کاری بسیار سنگین که آنها را در سنین کم دچار بیماریهای ریوی می کند تا از حقوق مطرح شده در قوانین کار رژیم بی بهره اند. در حالی که حداقل حقوق تعیین شده در سال جاری ۱۲۲ هزار تومان است، کارگران معدن بین ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند. از طرفی این حقوق هم به موقع با آنها پرداخت نمی شود.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی اطلاعیه ای به تاریخ ۲۷ بهمن، اعلام کرد که «مستولان جمهوری اسلامی ایران پس از دستگیری و بازداشت کارگران و فعالان سندیکایی، اعلام کرده اند که در صورت امضای تعهد مبنی بر عدم فعالیت سندیکایی - اتحادیه ای آزاد خواهند شد.»

این کارگران بار دیگر بر خواسته های خود تاکید کردند. خواسته های آنان:

۱. به رسمیت شناختن سندیکا از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران
۲. آزادی بدون قید و شرط کلیه ی فعالان سندیکایی کارگران شرکت واحد
۳. پذیرش قرارداد دسته جمعی است.

کارگران شرکت تولیدی «لامپ قزوین» روز دوشنبه اول اسفند در مقابل فرمانداری شهر صنعتی البرز قزوین دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. این کارگران بیش از ۸ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند.

کارگران واحد تولیدی «فرخ و مه نخ» روز چهارشنبه ۳ اسفند برای سومین روز متوالی در محوطه کارخانه تجمع اعتراضی بر پا کردند. خبرگزاری ایلنا تعداد این کارگران را ۱۲۰۰ نفر اعلام کرده است. این کارگران به عدم دریافت مزایا، عیدی و حقوق خود در سال گذشته اعتراض داشتند.

کارگران شرکت «مقره سازی ایران» واقع در ساوه روز شنبه ۶ اسفند در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خود و عدم تمدید قرارداد کارکنان قراردادی، به مدت چند ساعت دست از کار کشیدند و در مقابل دفتر مدیریت تجمع اعتراضی بر پا نمودند.

کارگران ریسندگی «رحیم زاد» واقع در استان اصفهان، روز دوشنبه و سه شنبه ۸ و ۹ اسفند جاده اصفهان به تهران را به مدت ۲ ساعت بستند. این کارگران به عدم دریافت ۳ ماه حقوق خود اعتراض داشتند.

کارگران شرکت تولیدی قطعات فولادی در کرج روز چهارشنبه ۱۲ اسفند در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در سالن غذاخوری دست به اعتصاب زدند.

کارگران «ایران برک» واقع در رشت روز یکشنبه ۱۴ اسفند در مقابل اداره که صنایع تجمع اعتراض آمیز بر پا نمودند. این کارگران به عدم دریافت بیش از ۱۱ ماه حقوق خود اعتراض داشتند.

کارگران صنایع پوشش گیلان روز یکشنبه ۱۴ اسفند با آتش زدن لاستیک جاده رشت - انزلی را برای چند ساعت بستند. بر اساس گزارش ایلنا ۱۴ اسفند در این اعتراض صدها کارگر شرکت داشتند. علت اعتراض آنها عدم دریافت حقوقشان که بیش از ۵ آبان ماه است که به تعویق افتاده است، بود.

کارگران شیشه میرال که ماهها است به دلیل عدم دریافت حقوق تا کنون چندین بار دست به اعتراض زده اند. آنها روز یکشنبه ۱۴ اسفند در مقابل در ورودی کارخانه آتش بر پا کردند. بر اساس گزارش ایلنا ۱۴ اسفند، یکی از کارگران معترض می گوید که «از امروز تا زمانی که حقوق و مزایای معوقه مان را دریافت نکنیم، آتش سوزیها ادامه دارد.» این کارگران به مدت ۱۱ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. تعداد کارگران شرکت کننده در این اعتراض ۱۵۰ نفر بوده است.

فرهنگیان روز سه شنبه ۱۶ اسفند در اعتراض به طرح بودجه دولت در سال ۸۵ و اعتراض به وضعیت حقوقی خود در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران «قطعات فولادی» روز جمعه ۲۶ اسفند در مقابل سازمان کار و آموزشی فنی و حرفه ای در کرج تجمع اعتراضی کردند. این کارگران به عدم دریافت ۴ ماه حقوقشان اعتراض داشتند.

کارگران بازخريد شده شرکت مخابرات روز یکشنبه ۲۱ اسفند در اعتراض به وضعیت خود در مقابل دفتر ریس جمهوری تجمع نمودند. این کارگران که به اجبار بازخريد شده اند بعد از ۴ سال هنوز بلاتکلیفند.

تجمع اعتراضی کارگران «صنایع پوشش رشت» در روز یکشنبه ۲۸ اسفند با یورش نیروهای انتظامی مواجه شد. کارگران این واحد تولیدی در اعتراض به عدم دریافت حقوقشان به مدت ۵ ماه، دست به اعتراض زده و جاده اصلی رشت - بندر انزلی را به مدت یک ساعت بستند. مزدوران جمهوری اسلامی به کارگران حمله کردند و تعدادی از آنها را مجروح کردند.

بر اساس گزارش ایلنا سه شنبه اول فروردین، «در برخورد عوامل نیروهای انتظامی چند نفر از کارگران این واحد صنعتی از ناحیه دست، پا، گردن و سر دچار جراحت، ضرب دیدگی و حتی شکستگی شدند.»

صنایع نساجی که از جمله واحدهای پایه ای تولیدی ایران در قبل از انقلاب محسوب می شد در سالهای اخیر دچار بحران شده و تقریباً این بخش تولیدی به ورشکستگی کشیده شده است. کارگران زیادی در این صنایع مشغول به کار بوده اند که به صف بیکاران و بلاتکلیفان پیوسته اند. به همین دلیل چندین سال است که کارگران وابسته به این صنایع برای حقوقشان مبارزه می کنند.

بعد از اعتراض کارگران شرکت ریسندگی صنایع پوشش رشت، کارگران یک شرکت ریسندگی دیگر تهدید کرده اند که اگر حقوقشان پرداخت نشود آنها هم مثل کارگران صنایع پوشش اقدام به بسته نمودن جاده اصلی رشت، فومن خواهند کرد.

دستگیری کارگرانی که برای دفاع از حقوقشان به پا خواسته اند، دستگیری و ضرب و شتم زنان که در اعتراض به تبعیض و خشونت در روز ۸ مارس دست به گردهمایی زدند، فشار به زندانیان سیاسی و تهدید به اعدام، همه اینها جنایت علیه بشریت است و توسط رژیم انجام می شود که برای حفظ قدرت از به کار بستن هیچ گونه شیوه ی رذیلانه کوتاهی نمی کند. همبستگی، اتحاد و سازمانیابی مستقل و سراسری جنبش کارگری در پیوند با جنبش زنان و جوانان راهکار موثر در وارد کردن ضربه اساسی به این رژیم پوسیده است.

## اعتراض گسترده

## دانشجویان و

## دانشجویان به قانون

## استخدام موقت

## در فرانسه

در پی اعتراضهای پیاپی دانشجویان، دانش آموزان و فعالان سندیکایی روز شنبه ۱۸ مارس نیم میلیون در شهرهای فرانسه و منجمله در پاریس دست به تظاهرات زدند. دانشجویان در اعتراض به تصویب قانون استخدامی موقت در پارلمان، دست به اشغال دانشگاهها زده اند.

بقیه در صفحه ۱۹

## بهاران خجسته باد

## مصاحبه جنگ خبر

## (بخش شنیداری)

## با رفیق لیلا جدیدی، عضو

## کمیته مرکزی سازمان

## به مناسبت آغاز سال نو

س\_ با سلام و تشکر از اینکه در برنامه نوروزی شنیداری شرکت کردید. اکنون که در آستانه سال نو قرار گرفته ایم می خواستیم برای آنکه هم مروری بر رویدادهای سال گذشته کرده باشیم و هم یک جمع بندی کلی از آنها داشته باشیم از شما سوالاتی بکنم و در ضمن نقطه نظرهای شما را در این باره بشنویم.

ج\_ بله بفرمائید حتما. ولی قبل از آن با اجازه شما بگذارید سلام و شادباش های نوروزی خودم را خدمت شما، کارورزان جنگ خبر و شنوندگان برنامه شنیداری جنگ خبر عرض کنم و برای همگی سال خوش و پیروز مندی را آرزو کنم.

س\_ خیلی ممنون از شما. در اولین سوالم می خواستیم از شما خواهش کنم که بگید به طور کلی رژیم سال گذشته رادر چه وضعیتی گذراند و در جریان بحرانهای بوجود آمده، چه بدست آورد و چه از دست داد.

به نظر من مهمترین نکته ای را که باید به آن توجه کنیم این است که رژیم جمهوری اسلامی در سال گذشته همه هم و غم خود را صرف تلاش برای بقا و امنیت خود کرد. یعنی با همه شاخ و شانه کشی در داخل و خارج، در واقع برای روی پا ایستادن تلاش می کرد. در حالی که تنها به عصای شکسته ای تکیه می داد. رژیم در صحنه داخلی به زور سرکوب و در صحنه خارجی با بحران آفرینی عمر ننگین خودش را ادامه داد. پروژه به روی کار آوردن احمدی نژاد با شعار های تو خالی که به مردم وعده و وعید می داد، تلاشی در همین راستا بود.

در پاسخ شما که رژیم چه بدست آورد باید بگویم که جمهوری اسلامی به یمن مقاومت مردم و این که در صحنه بین المللی نیز افشا شده بود، زمین های زیادی را واگذار کرد. یعنی همونهایی را هم که با حيله و نیرنگ به اصطلاح اصلاح طلبان گیر آورده بود، از دستش رفت.

سال ۸۴ برای رژیم جمهوری اسلامی سال شکست های همه جانبه بود؟ البته رژیم در عراق بسیار سرمایه گذاری کرد تا کنترل را در دست بگیرد ولی همین هم نهایتا در جهت عکس برایش عمل می کند. بطوریکه حتی پاسخ مثبت دادن به ظاهرا دعوت برای گفتگو با آمریکا در مورد عراق به ضررش تمام خواهد شد. زیرا در واقع به داشتن نقش در اغتشاشات اقرار کرد. و این در موقعیت بدتری قرارش خواهد داد.

س\_ از چه رو شما معتقدید که این سال شکستهای همه جانبه برای رژیم در بر داشته؟

ج\_ خب همانطور که می دانید به لحاظ اجتماعی رژیم تحت فشارهای جنبش اعتراضی مردم که از هر سوی ایران سر می کشید بود. از جانب کارگران، جوانان، دانشجویان، زنان و غیره. از سوی دیگر به لحاظ فشار از خارج بر سر مسئله فعالیت های هسته ای، تحولاتی هم به ناچار درون حکومت بر محور تلاش برای حفظ حکومت ولایت فقیه بود. مهم ترین آن کنار گذاشته شدن به اصطلاح "اصلاح طلبان" و روی کار آوردن احمدی نژاد بود تا حکومت یکدست شده و کاملاً تحت کنترل قرارگیرد. احمدی نژاد با شعارهای فریبنده و مضحکی قول زندگی بهتر را داد. این مهمترین و برجسته ترین پروژه هم با شکست روبرو شد زیرا او مردم را بیشتر از حکومت منجر کرد. اقداماتی که رژیم علیه مردم کرد من فکر می کنم واکنش هائی بود که به خاطر شکست اش در برابر مردم ناچار بود انجام دهد.

از یک سو اعتصاب غذای اکر گنجی، رژیم را کلافه کرد و از سوی دیگر بروز اعتراضات در کردستان و سرکوب وحشیانه رژیم، پایان دادن بدون نتیجه دادگاه خانم زهرا کاظمی؛ احضار فعالان دانشجویی، بستن برخی دیگر از نشریات، صدور حکم اعدام برای جوانان زیر ۱۸ سال یا دارای معلولیت های ذهنی، به اجرا در آوردن دستکم ۸۱ حکم اعدام، اجرای احکام در ملا عام، انکار جنایت های هیتلر علیه یهودی ها توسط احمدی نژاد، فراخوان به نابودی کشور ۵ میلیونی اسرائیل و غیره بود. این اقدامات که رژیم از هراس مردم می کند مسلماً نشان از پیشرفت یک جنبش خاموش نشدنی در درون کشور علیه حکومت استبدادی - مذهبی ولایت فقیه دارد.

س\_ ممکن لطفاً در باره مشخصات این جنبش کمی توضیح بدهید؟

ج\_ علاوه بر موج اعتراضات مردم و تفر آشکارشان از رژیم، خیزشهای در

سراسر کشور وجود داشت و کارگران و زحمتکشان وطنمان هر روز به خاطر عدم پرداخت حقوق و یا اخراج از کار و غیره در اعتراض و اعتصاب بودند که بارز ترین آنها هم اعتصاب رانندگان شرکت واحد بود. این اعتصاب، فضای سیاسی و رسانه ای درون و بیرون کشور را در بر گرفت. بدون شک این از نامطلوب ترین و آبروریزترین رویدادها برای جمهوری اسلامی و رئیس جمهور مهروزش بود. سال گذشته همچنین زنان در مراسم بزرگداشت روز ۸ مارس که با شعار های جدی علیه رژیم به خیابان آمدند هم مورد ضرب و شتم مزدوران قرار گرفتند

در سال گذشته مدافعان حقوق بشر در ایران به تلاشهای جدی تری دست زدند. رسانه هائی که در خارج و داخل بودند به بحث حقوق بشر بیشتر پرداختند. به خاطر همین تلاشهای پیگیر بود که رژیم در مجمع عمومی سازمان ملل محکوم گشت. اکنون هم تلاشهایی صورت می گیرد که پرونده حقوق بشر جمهوری اسلامی را به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شود.

در سال گذشته و بویژه پس از آنکه در دولت احمدی نژاد پست های کلیدی توسط عناصر امنیتی - نظامی وابسته به سپاه ونبروی انتظامی سپرد شد، حقوق بشر هم پس روی بیشتری داشت. اما ملا ها هر گونه اعتراض را به همراه بودن با آمریکا و اروپا نسبت دادند.

س\_ در سال گذشته رژیم چه روشهایی را برای مقابله با جنبش در حال اوج پیشه کرد؟

ج\_ رژیم فشار به فعالان سیاسی و حقوق بشری و همچنین زندانیان سیاسی و عقیدتی را افزایش داد. اعدام زندان سیاسی را از سر گرفت. تنها در یک ماه سه نفر به اتهامات سیاسی و عقیدتی اعدام شدند. احکام اعدام در مجموع افزایش پیدا کرد. نهادهای دانشجویی تهدید و با بطور کلی تعطیل شدند. همینطور احکام بلند مدتی علیه روزنامه نگاران و وب نویسان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بطور مستمر صادر شد.

س\_ از نظر اقتصادی چه تغییر و تحولاتی در سال گذشته بوجود آمد؟

ج\_ در یک کلام فقر. به ویژه آن که این فقر و تیره بختی در شش ماه دولت احمدی نژاد افزایش یافت. موج گرانی فزاینده و بالا رفتن قیمت های بیاد کرد. تنها یک نمونه بگم که بانک مرکزی اعلام کرد در مدت یکماه قیمت میوه تازه ۲۳ درصد افزایش یافت. قیمت برنج ۶ درصد، قند و شکر ۴ درصد و قیمت گوشت در مدت سه ماه، ۴۰ درصد افزایش یافت.

این در صورتی است که به علت قیمت بالا، گوشت از سفره مردم فقیر حذف شده بود.

خب این فقر بالطبع نتایج فاجعه باری را هم به همراه دارد. بویژه در مورد زنان و کودکان و سلامت جامعه را تحت خطرها و زیانهای جبران ناپذیری قرار می دهد. با شکاف طبقاتی فاجعه آوری که بر اثر تفاوت سطح دسترسی به منابع و ثروت های عمومی بوجود آمده، راه سرزیر شدن بیشتر و بهتر ثروت مردم به جیب ملاهای با عمامه یا بی عمامه هموار شده.

س\_ ممکنه در باره بودجه سال ۸۵ توضیحاتی بدهید؟

ج\_ بطور کلی بودجه سال ۸۵ بر اساس تاراجگری های بیشتر دولتی تنظیم شده و در راستای منافع مردم عمل نمی کند.

در اساس، بودجه سال ۸۵ در دو جا متمرکز شده. حوزه مذهبی و حوزه نظامی.

در این میان بودجه نهادهای مذهبی ۲ برابر شده. جالب این که بودجه موسسه مصباح یزدی ۱۰ برابر شده. این یک موسسه غیر دولتی با وضعیت آموزشی بسیار محدود است این در حالیست که برای آموزش و پرورش کشور گامی برداشته نشده.

در بودجه سال ۸۵ کل کشور کمتر از ۲۴۰ هزار میلیارد درآمد و نزدیک به ۳۸۰ هزار میلیارد هزینه در نظر گرفته شده است. کسری بودجه سال ۸۴ نزدیک به ۹۶ هزار میلیارد بر آورد شده و با این حساب، کسری بودجه در سال ۸۵، افزایش ۴۵ درصدی را در بر خواهد داشت.

به طور رسمی ۵۵ درصد درآمد بودجه سال ۸۵ هم از منابع نفتی خواهد بود. حال آنکه ما می دانیم این درصد بسا بیشتر از رقم یاد شده است و به هر حال بودجه سال ۸۵ به این صورت با تبدیل دلارهای نفتی به ریال، بودجه ای توری خواهد بود.

نشریه میدل ایست مانیتور می نویسد، در سال آینده به علت عدم افزایش تولید نفت، کسری بودجه ایران در سال ۸۵ به ۸۶ تریلیون ریال می رسد. در همین گزارش اشاره شده است که با توجه به وعده های استانی احمدی نژاد، بالا رفتن هزینه کسری بیشتری را بدنبال خواهد داشت.

خب البته چنان چه تحریمهای اقتصادی صورت بگیرد، این وضعیت بدتر هم می شود. پس وقتی می شنویم که رژیم ادعا می کند که فکر آن را کرده و هیچ ضربه ای نخواهد خورد چه دروغ بزرگی است. بقیه در صفحه ۸

شنبه

## خاوران عید بود

جعفر پویه



## فرهنگسازی در دانشگاه

## با قبر و باتوم

منصور امان

مصاحبه با رفیق  
لیلا جدیدی

بقیه از صفحه ۷

س - سال ۸۴ در صحنه خارجی بر رژیم چه گذشت؟

ج - در سال گذشته دولت آمریکا و بطور کلی غرب، رژیم را به خاطر نقشه های هسته ای اش تحت فشار قرار دادند. اما باید توجه داشت که آنها از مردم و انقلاب دمکراتیک و مردمی در ایران بیشتر از جمهوری اسلامی در هراسند و بهمین دلیل هم تلاش کردند تا جمهوری اسلامی را وادار کنند به فعالیتهای هسته ای خود پایان دهد. برای آمریکا مساله عراق هم مطرح بود و بهمین دلیل فشار بر رژیم را پیگیری سفت و سختی می کرد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی در پشت یک سری شعارهای مردم فریبانه و ضد آمریکائی تلاش کرد تا افکار عمومی مردم ایران و جهان را به انحراف بکشاند و در پشت "حق ملی ایرانیان" اهداف خود را پنهان کند. اما به تدریج دست رژیم رو شد و هر روز هر چه بیشتر مردم به اهداف پشت پرده حکومت آگاه می شوند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با سیاستهای ماجراجویانه خود به نفع سیاستهای امپریالیسم و محافل جنگ طلب عمل کرد. درآستانه پایان سال ۸۴، با رفتن پرونده رژیم به شورای امنیت و احتمال تحریم و همچنین لایحه بودجه دولت که همینطور هم فضاحت بار است، بحرانهای بیشتری را ایجاد خواهد کرد.

س - شما سال آینده را در رابطه با مبارزات مردم ایران چگونه می بینید؟

ج - بله ... ببینید در سال آینده برنامه های در حال تدوین رژیم و بویژه برنامه های وزارت کار و امور اجتماعی از یورش همه جانبه ای به سطح معیشت و کار

در میان اعتراضهای شدید دانشجویان دانشگاه شریف، گماشتگان پاسدار و بسیجی و لباس شخصی، اجساد ۳ تن از قربانیان جنگ را به ضرب باتوم، میله گرد و گاز اشک آور در محوطه این مرکز علمی - آموزشی دفن کردند. دانشگاه رجایی نیز از تازه ترین نوآوری فرهنگی دولت برگمارده ولی فقیه برکنار نماند و با خاکسپاری سه جسد سفارش داده شده به پاسدار باقر زاده، رییس "بنیاد آثار و ارزشهای دفاع مقدس"، دانشگاه مزبور نیز یک گام به سوی کارکرد مورد انتظار حکومت از دانشگاهها به عنوان گورستان نزدیکتر شد.

اقدام باند نظامی - امنیتی در ادامه سیاست تشدید سرکوب دانشجویان و استادان صورت می گیرد که تاکنون به بازداشت و محرومیت از تحصیل شمار زیادی از دانشجویان، ممنوعیت فعالیت تشکلهای دانشجویی و نیز تصفیه شماری از استادان انجامیده است. همزمان، با تقویت مزدوران امنیتی "گمینه های انضباطی" و برگراری عناصر مورد اعتماد در کادر علمی و ریاست دانشگاه ها، حکومت به سازماندهی خود برای خاموش کردن این قشر پیشرو پرداخته است.

استفاده از گله های موسوم به "لباس شخصی" برای سرکوب دانشجویان معترض دانشگاه شریف که برای اولین بار پس از یورش به کوی دانشگاه در سال ۷۸ صورت می گیرد، بیانگر اهمیتی است که رژیم جمهوری اسلامی برای تحت کنترل درآوردن پتانسیل اعتراضی در دانشگاه ها قایل است. دفن قربانیان جنگ در محوطه دانشگاه، با هدف به وجود آوردن محمل برای حضور دایمی همین عناصر در دانشگاه و پراکندن جو وحشت از طریق نمایش ابزارهای سرکوب صورت می گیرد.

پیشینه استفاده از اجساد برای گسترش سرکوب به ۲ سال و اندی پیش برمی گردد. زمانی که آقای احمدی نژاد به عنوان شهردار تهران از تبدیل میدانهای "مناطق مساله دار" شهر به گورستان خبر داد، وی در آن هنگام ادعا کرده بود: "تدفین اجساد شهیدا در فضای عمومی...چهره شهر را زیبا و شکل می کند". مقاومت و چندان عمومی در برابر این ایده، سرانجام گماشته ولی فقیه را به منصرف شدن از آن واداشت. اکنون رژیم ولایت فقیه تحت عنوان "فرهنگسازی در دانشگاه"، آنچه که لشکری از گزمه های امنیتی و گله های زنده پاسدار و بسیجی در انجام اش ناتوان مانده اند را به گونه مضمتمز کننده ای به مرده ها، به قربانیان دوباره خود سپرده است.

۲۳ اسفند ۸۴

درحالیکه اینروزها مردم در کوچه و خیابان در تدارک برگزاری جشن نوروز و گرامیداشت مقدم بهار هستند. روز شنبه گلزار خاوران پذیرای خانواده هایی بود که برمزار عزیزانشان حاضر شدند تا فرا رسیدن بهار را از آنجا آغاز کنند. اینبار نیز در مقدم بهار، خاوران غرق گل و سبزه شد، هفت سین آوردند و عهد کردند که سبزه سین ستم را از پهنه میهن به یکباره برویند. در این همایش بهاری ساز و دهلای کوبیده نشد، اما نوای فلوتی که نواخته می شد فضای خاوران را نوازش می کرد. در سراسر میهن برفهای نشسته بر کوهها شروع به آب شدن کرده اند، و رویش گیاه زمین را به جنبش واداشته است. اما پیکر عزیزانی که به شوق برافراشتن بیرق همیشه بهار آزادی بیای خواسته بودند، یا آماج رگبار گلوله شد و یا طناب داری برای همیشه دیدن بهاری دیگر را از آنان دریغ کرد، و خاوران را غرق بهاران خزان زده کرد.

بار دیگر لاله خواهد روئید و سرخی روی گلبرگهایش داغ بزرگی را گواهی خواهد داد که بر دل ملتی نهاده شده است در عزای گلهای پرپر شده در بهار خزان زده آزادی جنبش شان.

عیدهای بسیاری خواهند آمد و زمستانها درپی هم یخ هایش را در ورزش نسیم بهاری به جویبار تبدیل خواهد کرد. اما در بهاری که تن خاوران داغدار است، شکوفه شادی نخواهد روئید.

جوانه های منتظر در دلهای مشتاقان رهایی در بهار آزادی شکوفه خواهند شد و بر خاوران مردمان خوشحال سرود شادمانی سر خواهند داد.

درپی زمستان نامردمان جانی و سفاک، بهاری دیگر خواهد آمد و از خون هر شهید راه آزادی لاله هایی خواهد روئید پر از شرارهای شادی. انروز نی لبکها نوایی دیگر سر خواهند داد و مژده بهاری را که آرمان اهالی خاوران است به آنجا خواهند آورد. به امید بهارانی که خاوران گلزار لیخنند شود و فقیه ی شادی هوا را پراز شوق بهاری کند.

۲۸ اسفند

مردم و زحمتکشان حکایت می کند. همینطور سیاست خارجی رژیم در مسیر تشویق و پاداش تروریسم، و رویارویی با جامعه بین المللی اوضاع وخیمتری را در پیش رو دارد.

برای مبارزه با این اقدامات در وحله اول باید تا حد امکان در صحنه بین المللی به افشا رژیم و حمایت از مردم ایران دست زد. در داخل باید در پیشبرد تشکلهای مستقل و اتحادیه های مستقل و پیوند دادن آن به طور جدی به جنبش سراسری کوشید. پیوند خوردن جنبش های صنفی و سیاسی فکر می کنم از کلیدی ترین برنامه های مبارزات مردمی باید باشد، تا وقتی برای مثال کارگران یا دانشجویان در اعتصاب هستند، گروه های دیگر اجتماعی با حفظ نام تشکلهای خود بدان پیوندند.

به نظر من باید از هر گونه شیوه ای برای مبارزه و ضربه زدن به رژیم استبدادی ولایت فقیه استفاده کرد. از افشاگری حکومت در دو صحنه داخلی و خارجی گرفته تا باز کردن پرونده حقوق بشر رژیم در هر تریبون بین المللی. باید با همه نیرو، با هر زبان و هر اشاره هر چه بیشتر به رژیم نه گفت و در برابر این فشارها ایستادگی کرد. باید با هر گونه حرکتی از جانب هر کس که ته آن به حمایت از رژیم برگردد، مخالفت کرده و آن را افشا کنیم. نباید آینده فرزندان این خاک و بوم را به جنایتکاران و خائنین و دزدان فریبکار جمهوری اسلامی واگذار کرد. همه ستمگران تاریخ در نهایت در برابر عزم و اراده مردم سر به خاک گذاشته اند.

جنگ خبر: تشکر می کنم از اینکه وقتتون را در اختیار ما گذاشتید و برایتان آرزوی پیروز می کنم.

متشکرم، با آرزوی پیروزی برای مردم ایران در سال ۱۳۸۵. امیدوارم که این سال، سال بزرگی در تاریخ مبارزات مردم به ثبت برسد.



## جدال بر سر تقسیم قدرت در عراق بعد از انتخابات

جعفر پویه

مخالف می کند و نیروهای وابسته و گوش بفرمان آنها نیز می گویند که حاضر به همکاری با جناح علوی نیستند. در همین راستا طرفین تبلیغات رسانه ای پر حجمی را علیه یکدیگر سامان داده اند و هر کدام طرف مقابل را متهم به عدم همکاری می کنند. در حالی که "جواد مالکی" مرد شماره دو حزب الدعوه اعلام می کند که "به اعتقاد من فرصت مشارکت طیف علوی در دولت جدید بسیار ناچیز است، زیرا ما برخی وزارتخانه ها را به آنها پیشنهاد کردیم اما آنها بر پست های معینی که قبلاً قطعی شده بود، اصرار می کردند." "رسم العوادی" رئیس مذاکره کنندگان لیست العراقیه می گوید: "این لیست تاکنون هیچ پاسخی درباره مطالبات خود دریافت نکرده است." از جانب دیگر منابع نزدیک به لیست ائتلاف عراق یکپارچه اعلام کردند که دولت آینده از ۳۲ وزیر تشکیل خواهد شد که ۱۷ پست به ائتلاف عراق یکپارچه، ۹ پست به کردها و ۴ پست به عرب های سنی و ترکمنها و مسیحیان نیز هر کدام یک پست دریافت خواهند کرد. همچنانکه در این تقسیم بندی دیده می شود هیچ جایی برای لیست العراقیه وابسته به ایاد علوی در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل جلال طالبانی رئیس جمهور عراق با این شیوه تقسیم قدرت مخالف کرده است و هیاتی را نیز برای دیدار با آیت الله سیستانی به نجف فرستاده است. هم زمان ائتلاف عراق یکپارچه نیز برای خنثا کردن حرکت طالبانی به نجف رفته اند. اما دفتر سیستانی بی طرفی او را در این مورد اعلام کرد و دوباره توب به میدان بین ائتلافها باز گشت. به دلیل همین مشکل جلال طالبانی «رئیس جمهور» طی حکمی انتخاب نخست وزیر را به پارلمان واگذار کرده است و اعلام شد که این امر در روز ۲۹ مارس در اولین جلسه مجلس مطرح می گردد. این در حالی است که به جز تعیین تکلیف نخست وزیری، قرار است ریاست پارلمان به مسلمانان سنی واگذار شود. اما چه کسی این پست را به عهده گیرد نیز مورد مناقشه است. از یک طرف عدنان پاچه چی گزینه ریاست مجلس اعلام می شود. او از طرف جبهه توافق وابسته به سنی مذهب ها حمایت می شود. در حالی که ائتلاف عراق یکپارچه اعلام کرده است که در صورت عدم توافق روی «طارق الهاشمی» دبیر حزب اسلامی آنها کسی را از بین ائتلاف خود که سنی مذهب باشند را برای گزینه ریاست مجلس انتخاب خواهند کرد. به این وسیله آنها هم سنی مذهب بودن طرف را به رخ می کشند و هم یکی از بقیه در صفحه ۱۰

عراق به تصویب برساند و جاپای خود را در آن محکم نماید. به همین دلیل در نوشتن و تصویب قانون اساسی دخالتهای بسیاری شد و در ادامه با طرح مسأله فدرالیسم مذهبی سعی می کنند تا از هویت پیدا کردن دولت خودمختار کردها در شمال عراق جلوگیری کنند. در این کار چندین دسته از گروههای شیعه مذهب دست دارند. مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق که در ابتدا گمان می رفت که همه اوامر ولایت فقیه را مو به مو اجرا می کند، این گونه نشد و بخش شبه نظامی آن با حل شدن در نیروهای نظامی اشغالگران و سازماندهی شدن از جانب آنان از کنترل فرماندهانی که گوش به مرکز خود داشتند خارج شدند. بخش سیاسی آن نیز به چندین دسته تقسیم شد و هر دسته و گروه در حالی که به ظاهر می توانند یک همگرایی مصلحتی را اجرا کنند، اما این خاصیت را نیز دارند تا در صورت بدست آوردن منافع بیشتر به جانب آن مرکز تمایل پیدا کنند. اما حزب الدعوه عراق که تحت رهبری ابراهیم جعفری است در این مدت نشان داده است که بیش از بقیه نیروها می تواند نقش مزدور بی چون و چرای رژیم ولایت فقیه را به عهده گیرد. در زمان تصدی او در مناسبات مختلف، جعفری بیش از این که منافع مردم عراق را در نظر داشته باشد گوش به فرماندهان سپاه پاسداران و یا نیروهای اطلاعاتی رژیم ایران داشت. حزب او که در ائتلاف عراق یکپارچه عضویت دارد، و توانسته اکثریت را در انتخابات مجلس بدست آورد، سعی می کند با همکاری رژیم ولایت فقیه بار دیگر نخست وزیری ابراهیم جعفری را تمدید کند و او را همچنان به عنوان یکی از رهوس قدرت در عراق حفظ نماید. اما ابراهیم جعفری که گوش به فرمان رژیم ولایت فقیه است، از طرف باقی نیروها طرد شده و آنان حاضر به پذیرش نخست وزیری او نیستند. از جانب دیگر ائتلاف عراق یکپارچه همه سعی خود را بکار گرفته است تا از ورود فهرست العراقیه وابسته به ایاد علوی «شیعه سکولار» به دولت جلوگیری کند. اما ائتلاف کردها جناح علوی را مورد حمایت قرار داده و آنان را به عنوان بخشی از دولت آینده در نظر دارند. در این میان رژیم ایران به دلیل مخالفتها و افشاگریهایی که در زمان علوی از سوی حازم شعلان وزیر دفاع و فلاح النقیب وزیر کشور دولت او انجام گرفت، به شدت با لیست علوی

در عراق باید دو جریان را بصورت همزمان دنبال کرد. ابتدا اشغال علنی توسط آمریکا و متحدینش که با حمله نظامی میسر شده است. دوم اشغال پنهان عراق که توسط رژیم ولایت فقیه و از طریق نیروهای وابسته به آن انجام گرفته است. در مورد آمریکا و متحدینش بسیار گفته و نوشته شده است. آنها تصمیم دارند با برگردن نیرویی وابسته به خود، منافع دراز مدت خود را تامین کنند. این نیروها با توجه به تبلیغات غربی ها و دخالتگران در اشغال عراق با روکش دموکراسی بزرگ می شوند و باید حداقلی از شکل و شمایل و ظاهر مردم فریب را داشته باشند و در عمل سعی کنند ظاهر کار را به گونه ای حفظ کنند که نمونه ای باشند برای ادامه این گونه توسعه طلبیهای امپریالیستها در مناطق دیگر. اما رژیم جمهوری اسلامی که سودای برقراری خلافت اسلامی را در کشورهای منطقه در سر می پروراند. با تکیه به نیروهای شیعه مذهب و تندرویی که سالها آنها را پرورش داده و آماده کرده است، تلاش می کند تا از یک طرف با همکاری با اشغالگران هویت قانونی به عوامل دست آموز خود بدهد و از جانب دیگر با برپایی مراکز مذهبی و فرهنگی و وارد شدن در جدال با مسلمانان سنی مذهب آنان را به کناری زده و خود میداننداری کنند. این بازی مزورانه از یک طرف مردم را وارد مناقشه های مذهبی می کند و با دسته بندی آنان به گروههای شیعه و سنی سعی می کند تا بین آنان شکاف بیاندازد. در این کار آنها سعی می کنند تا سنیها را به جانب جنگ با اشغالگران بکشانند و برچسب تروریست بودن و وابستگی به حزب بعث را درباره آنان با همکاری با اشغالگران پر رنگتر کنند. در این کار بخشی از سنی مذهبیها کشته شده و تعدادی نیز به دلیل بالا گرفتن جنگ در مناطق آنان از سوی اشغالگران تار و مار می شوند و امکان دخالت در پروسه سیاسی را از دست می دهند. از سوی دیگر مال خود کردن میدان سیاست از جانب وابستگان به جمهوری اسلامی این فرصت را به رژیم می دهد تا از آنها بعنوان ابزاری برای حل و فصل مسایل بین خود و جامعه جهانی و آمریکا استفاده کرده و همچنین با جاسازی کردن آنان در سلسله مراتب قدرت بتواند در مواقع ضروری قوانین و یا مصوباتی را به سود خود از جانب دولت

انتخابات مجلس عراق که در شرایطی بسیار سخت و تحت اشغال برگزار گردید، نتیجه ای به بار آورد که بر مشکلات داخلی آن افزوده شد. ائتلاف یکپارچه عراق که در این انتخابات بیشترین تعداد کرسی را به دست آورد، باعث شد تا نیروهای دیگر درگیر در قدرت را بر سر تقسیم آن به بن بست برساند. ائتلاف یکپارچه عراق با توجه به تعداد صندلیهای به دست آورده در پارلمان، برای تشکیل دولت نیازمند ائتلاف با نیروهای دیگر است. اما آنهایی که آزمایش نخست وزیر پیشنهادی وابسته به این ائتلاف یعنی ابراهیم جعفری را یک دوره از سر گرفته اند، با انتخاب مجدد او مخالفت می کنند. به همین دلیل کشمکش بین ائتلافها بالا گرفته و تشکیل دولت با مشکل روبرو شده است. از جانب دیگر ائتلاف کردها با همراهی بخشی از شیعه های سکولار و جبهه توافق «سنی» تلاش می کنند تا با بدست آوردن وزارتخانه های کلیدی ای همچون وزارت امنیت و کشور، دست نیروهای تندرو شیعه مذهب را از این مراکز مهم اجرایی کوتاه کنند. و شخص دیگری را به جز ابراهیم جعفری به نخست وزیری برسانند. برگزاری لایه های پشت پرده، دخالت کشورهای که منافی در عراق دارند و در راس همه آمریکا و ایران که کنترل و نظارت دائمی بر قدرت در عراق را خواهان اند، دست بدست هم داده اند تا این کشمکش را بیش از اندازه طولانی کنند. در این رابطه باید بیش از همه به مردم عراق پرداخت که برای رسیدن به حداقل امنیت چشم براه نیرویی هستند تا بتواند اتوریته خود را بر دیگران اعمال کند و سیر جریانها را به روال عادی ببرد. آیا این خواسته می تواند جامه عمل بپوشد و یا باز درگیری ادامه خواهد یافت و مردم بیگناه قربانی دعوای بین این نیروها از یک طرف و نبرد با اشغالگران از جانب دیگر خواهند شد؟ برای بررسی این امر باید کمی به عقب بازگشت و اتفاقات چند ماهه اخیر را زیر و رو کرد تا دید که آیا آثانی که برای بدست آوردن منافع فرقه ای، عشیرتی و مذهبی خود، مردم را همچون مرغ عزا و عروسی قربانی می کنند. به دنبال چه می گردند و آیا چشم انداز اتفاقات بصورتی است که منافع آنان تامین شود و مردم عراق اندکی از دست آنان بیسایند یا خیر؟

## جدال بر سر تقسیم قدرت در عراق بعد از انتخابات

بقیه از صفحه ۹

عوامل خود را در ریاست مجلس تثبیت می کنند. اما نزدیکی جبهه التوافق «سنی» و ائتلاف العراقیه «آباد علوی» با ائتلاف کردها و مذاکرات و توافقات آنها خوشایند رژیم ولایت فقیه و ائتلاف عراق یکپارچه نیست. به همین دلیل ظن زیادی می رود که تخریب حرم امام یازدهم شیعه در سامره کار عناصری وابسته با آنان باشد. با این عمل آنان وقتی اهداف از پیش تعیین شده خود را دور از دسترس دیدند، دست به این عمل زدند و آنرا به گردن احزاب و گروههای سنی انداختند. پس از انفجار به یکباره حملات شدیدی از طرف شیعه های تند رو به محلات و مساجد سنی ها انجام گرفت و تعداد بسیار زیادی افراد بیگناه به قتل رسیدند. چندین مسجد سنی ها مورد حمله قرار گرفت و امام های این مساجد به قتل رسیدند و ساختمان مساجد نیز اشغال شد. با این عمل عوامل وابسته به رژیم ولایت فقیه عراق را تا آستانه جنگ داخلی پیش بردند و ضرب شست محکمی به طرفهای خود نشان دادند. پس از این اتفاقات جبهه التوافق اعلام کرد که مذاکره برای تشکیل دولت را ادامه نخواهد داد و مذاکرات را تحریم می کند. این همان چیزی بود که طراحان انفجار حرم امامان شیعیان می خواستند. اما ترس و وحشتی که با اینکار بر جامعه سنی مذهب حاکم کردند نیز نشان دادند که شعار "النصر به الرعب" که سالهاست حزب الله در ایران از آن استفاده می کند چه مزه ای دارد. به هرحال چند روزی در ادامه مذاکره وقفه افتاد و بار دیگر با گفتگو و قول و قرار های جدید "عذنان الدلیمی" رئیس جبهه التوافق گفت که به مذاکره باز می گردد و بار دیگر اعلام شد که مجلس برای تعیین تکلیف نخست وزیر و مقامات دیگر روز ۱۹ مارس تصمیم خواهد گرفت. اما از جانب دیگر آمریکایی ها اعلام کرده اند که به هیچ وجه نمی پذیرند که وزارت کشور و امنیت عراق در دست عناصر وابسته به فرقه خاص و یا شبه نظامیان وابسته باشد. زلمای خلیزاد سفیر آمریکا در عراق بطور جدی به شیعیانی که وزارت امنیت و کشور را در دست دارند اعلام کرده است که "آمریکا میلیاردها دلار برای تشکیل نیروی ارتش و پلیس عراق سرمایه گذاری کرده و نمی خواهد منابع مردم آمریکا را بر روی تشکیل نیروهای سرمایه گذاری کند که از سوی افرادی اداره می شوند که فرقه گرا هستند." او همچنین گفته است که در ملاقات با جعفری نتیجه تحقیقات آمریکا را از شکنجه زندانیان زندان وزارت کشور

عراق و دستگیری های اخیر افراد ملیس که متعلق به جوخه مرگ هستند و هدفشان کشتار اهل تسنن است را به او ارائه خواهد داد. اما اندکی پس از انتشار نظرات خلیزاد، در یک خبر دیگر دولت عراق با انتشار بیانیه ای تصمیم گیری درباره حضور نیروهای خارجی در این کشور را امری داخلی و منوط به تصمیم بغداد دانست. در این بیانیه همچنین آمده است که: "بعد از تحویل گرفتن مسئولیتهای امنیتی در برخی از شهرها، اینک دولت جدید عراق درصدد تحویل گرفتن تمامی مسئولیتهای امنیتی و نظامی در سراسر کشور از نیروهای خارجی است." با این دهنکجی به خلیزاد کشمکش ادامه دار می نماید. زیرا سید محسن حکیم مشاور سیاسی رییس مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق اعلام کرده است که: "طی سالهای آتی به جهاد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در عراق مشغول می شویم." کسانی که به برنامه نیروهای وابسته به رژیم ولایت فقیه اشراف دارند می دانند که معنای جهاد اطلاعاتی چیست و آن را چگونه اجرا می کنند. از این گفته ها می شود به عینه فهمید که آنها تصمیم دارند تا همه مخالفان خود را بصورت جهادی براندازند و صحنه را بطور کلی از آنها پاکسازی کنند. و جهاد فرهنگی نیز پاکسازی آثار اجتماعی این جریانها و رقبا و نابود سازی تشکیلات اجتماعی و مذهبی آنان است. به این دلیل است که آنان همه انرژی خود را به روی وزارت امنیت متمرکز کرده اند. یعنی حاضر هستند نخست وزیری را با این پست و وزارت کشور تعویض کنند. این چیزی است که سایر نیروها نیز از آن آگاه هستند و حاضر به واگذاری این دو وزارتخانه به آنان نیستند. به همین دلیل برای دومین بار خلیزاد از رژیم ولایت فقیه درخواست مذاکره کرده است تا موضوع را با آنان در میان نهاده و مشکل را از طریق پدرخوانده این نیروها حل کند. روز چهارشنبه ۲۴ اسفند عبدالعزیز حکیم، رئیس ائتلاف شیعیان عراق از تهران خواست تا به پیشنهاد سفیر آمریکا برای مذاکره پاسخ مثبت دهد. این پادرمیانی حکیم برای خلیزاد به معنای سفت تر شدن موضع آمریکا بر روی دو وزارتخانه کلیدی است. و فردای آن لاریجانی دبیر شورای امنیت ملی رژیم اعلام کرد که بنا به خواست حکیم رژیمش مذاکره با خلیزاد را می پذیرد. همزمان در روز ۱۶ مارس اولین جلسه پارلمان بدون هیچ نتیجه مشخصی برگزار شد و نشان داد که هیچ توافقی برای تقسیم مناسب بدست نیامده است. خامنه ای ولی فقیه رژیم نیز طی یک سخنرانی مذاکره با آمریکا را تایید و به توافقات پشت پرده با آنها رسمیت بخشید.

مذاکره سفیر آمریکا با رژیم بر ملا کردن نقش مخرب رژیم در عراق است. خلیزاد بیش از اینکه امتیازی به رژیم بدهد به

آنها هشدار خواهد داد که عملکردشان در عراق را بیش از این تحمل نخواهد کرد. و عواقب عدم همکاری در برقراری امنیت در عراق را به آنان متذکر خواهد شد. اما رژیم ولایت فقیه این بار توافقات را همچون گذشته در پس پرده نگه نخواهد داشت و با رسمیت دادن به آن سعی خواهد کرد تا موقعیت خود را که با رفتن پرونده اتمی اش به شورای امنیت در خطر است بهبود بخشد. یعنی توافق رسمی با آمریکا در عراق راه مذاکره با آنها را باز خواهد کرد و به لابی های مدافع رژیم اجازه خواهد داد تا از این موضوع در میدانهای بین المللی به نفع خود بهره برداری کند و آمادگی رژیم را برای پذیرش توافقات دیگر آماده کند. آمریکا و همپیمانانش نیز سعی خواهند کرد تا این عضو چموش مداخلات خود در خاورمیانه را بر سر عقل آورده و با گفتگو و مذاکره وادار به پذیرش قواعد بازی کنند.

اگر این مذاکرات توافقاتی در پی داشته باشد، در صورت دندانگیر بودن آن نیروهای وابسته به تهران از موضع خود پایین خواهند آمد و ادامه تشکیل دولت به روال عادی خواهد افتاد. نتیجه این مذاکرات در صورت انجام پذیرفتن چیزی بیش از عقب نشینی نیروهای وابسته به ایران را در پی نخواهد داشت. والا تشکیل دولت و دست بالا داشتن نیروهای وابسته به تهران همچنان به عنوان یک مشکل خودنمایی خواهد کرد و آمریکا بیش از همیشه در بحرانی که در عراق ساخته بیهوده دست و پا خواهد زد و یا این که باید شیوه برخوردش با رژیم ملاها در عراق را تعویض کند. همزمان علایم اعلام کرده است که هم اکنون عراق درگیر یک جنگ داخلی است، یعنی نیروهای وابسته به تهران عملن به این امر داخلی در عراق را نپذیرفته و سعی کرده است تا در سخنرانی خود آن را کم اهمیت تر جلوه دهد، این یعنی چراغ سبزی به مذاکرات خلیزاد برای توافق های فی مابین. آیا ائتلاف کردها با همکاری جبهه التوافق و لیست العراقیه می توانند جبهه سکولارها را در برابر نیروهای بنیادگرای وابسته به ولایت فقیه قویتر کنند، و آنان را در تقسیم مناسب وادار به مصالحه کنند؟ یا مذاکرات خلیزاد با تهران مسیر این جریانها را به سوی دیگر خواهد برد و در یک معامله پرسود او همداستان سابق خود را در میان میدان رها خواهد کرد و آنان خود باید گلیم شان را آب بیرون کشند؟

## سرکوب، کاتالیزاتور فشار از بیرون

منصور امان

همراه با وارد شدن ماجراجویی هسته ای جمهوری اسلامی به مرحله تعیین کننده، تلاش رهبران "نظام" برای آرایش گرفتن در برابر موقعیت در راه که می تواند در اشکال گوناگونی پدیدار شود، فشرده تر گردیده است. برای دریافتن این امر که نگاه چاره یوانه آنان بیش از هر جا به کدام نقطه دوخته شده، سخنان روز دوشنبه گردانندگان جمهوری اسلامی به خوبی روشن گرانه است.

پاسدار صفوی، سرکرده سپاه پاسداران پس از رجز خوانی معمول اندر باب قدر قدرتی "نظام"، این بار صیغه مبالغه را چند درجه افزایش داده است تا "ام القرا" را به یک کرشمه بر تخت "محور و قلب استراتژیک جهان" بنشانند. این ارزیابی ژئوپولیتیک از جانب کسانی که از طریق چاه جگرمان به جهان فانی نقب می زنند، چندان دور از انتظار نیست. با این حال، انگیزه اصلی آقای صفوی از این عظمت نمایی تماشایی را باید از هشدار او پیرامون "وضعیت فوق العاده پیچیده، حساس و سرنوشت سازی که در آن به سر می بریم" برداشت کرد. آقای صفوی وقتی چرخهای گاری "نظام" را نه بر فراز ابرها بلکه، روی زمین خاکی هل می دهد ناچار است از "شرایط سرنوشت ساز" نتیجه بگیرد: "باید ملت و کشور را برای مقابله با تهدیدات دشمنان اسلام و انقلاب آماده کنیم."

ولی فقیه نظام در دیدار با سرکردگان نیروی انتظامی، جزئیات بیشتری از مقوله "آمادگی" را آشکار ساخته است. او به گامشگان خود نهب می زند: "حفظ نظم در داخل کشور نشان دهنده اقتدار نظام است." و پاسدار محسن رضایی، توسط فرمول بندی ویژه جمهوری اسلامی از مخالفتها و اعتراضهای اجتماعی، کانون اصلی خطر را این گونه شناسایی کرده است: "اعتشاش و انفجار از درون سناریوی جدیدی است که آمریکاییها برای مقابله با ایران طراحی و اجرای آن را آغاز کرده اند."

رژیم جمهوری اسلامی در یک از حساس ترین مراحل چالش بین المللی اتمی، توجه خود را گرد خطر اصلی یعنی، مردم ایران متمرکز کرده است. افزایش فشار از بیرون مرزها، به مفهوم تشدید سرکوب در داخل است.

## جهانی سازی سرمایه و تاثیر آن روی زنان

الف آناهیتا

جنگ، سرمایه سازی نئولیبرال را جهانی سازند، در صورتی که جهانی شدن واقعی، نزدیکتر شدن طبیعی هر چه بیشتر فعل و انفعالات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم با بهره گیری هر چه بیشتر از فن آوری پیشرفته در چارچوب قوانین عادلانه و حفاظت محیط زیست در سطح جهانی یا به عبارت دیگر همان انترناسیونالیسم است.

پدیده جهانی سازی سرمایه که امروز در حال حرکت است، در جهت مخالف این روند طبیعی قرار دارد و مدافعان آن قصد دارند با سو استفاده ضد بشری از فن آوری پیشرفته و اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم اقتصادی در سطح جهان، ثروت عظیم حاصل شده در سطح محلی را به نفع امپریالیسم کسب و تقسیم کنند. این نوع جهانی سازی نه تنها پیوند انسانها را به وجود نیاورده بلکه، بر عکس باعث افزایش فقر، تشدید افکار نژادپرستانه، اوج گیری اختلافات ملی، فرقه ای و مذهبی شده و خواهد شد. نتیجه جهانی سازی سرمایه را به راحتی می شود در گزارش توسعه بشری سازمان ملل مشاهده کرد که ابراز می دارد: "مجموع ثروت ۲۲۵ تن از ثروتمندترین اشخاص (یک تریلیون دلار) معادل کل درآمد دو نیم میلیارد انسان (چهل و هفت درصد) از فقیرترین مردم جهان است." بر طبق همین محاسبات، تنها چهار درصد از این ثروت می تواند جوابگوی احتیاجات اولیه بهداشتی، آموزشی، تغذیه و آب آشامیدنی همه انسانها در سراسر جهان را فراهم کند. از دیگر سو، بر اساس گزارش یاد شده، یک پنجم کشورهای صنعتی، ۸۴٫۷ درصد تولید ناخالص و ۸۴٫۲ درصد تجارت جهانی را در اختیار خود دارند. این آمار به درستی نشان می دهد که جهانی سازی سرمایه به معنای محرومیت بخش عظیمی از مردم جهان از ابتدایی ترین حقوق انسانی می باشد و هر گونه ادعایی پیرامون ایجاد فرصتهای برابر از طرف مدافعان جهانی سازی سرمایه، چیزی بیش از یک فریبکاری در سطح جهانی نیست. جهت و ماهیت این پدیده در تضاد کامل با منافع زحمتکشان در سراسر جهان می باشد. سیاست مسلط امروز جهان در روند جهانی سازی سرمایه، اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم اقتصادی است که منافع انحصارات بزرگ را در بر می گیرد. ابزار اعمال این سیاستها نیز سازمان تجارت جهانی، جی ۸، صندوق بین الملل پول، تدوین قراردادهای یکطرفه مثل گات و

امروزه جهانی سازی تمامی مسایل اصلی بشر را تحت تاثیر قرار داده و از این جهت به پدیده ای بسیار مهم تبدیل شده است. جهانی شدن نه تنها یک پدیده مثبت بلکه، یک امر محتوم تاریخی محسوب می شود که نمی توان روند آن را متوقف کرد. در این پروسه، منافع همه انسانها، پیوسته و به هم ارتباط پیدا می کند. بنابراین اگر ما از نظر اندیشه، در نهایت به انترناسیونال و یک جامعه جهانی عاری از ستم اعتقاد داشته باشیم، پس جهانی شدن امری مثبت و نمی توان با آن مخالفت کرد. از سوی دیگر، عصر ارتباطات، عصری که در آن زندگی می کنیم، به ما این امکان را می دهد که با کمک تکنولوژی، پروسه جهانی شدن را صحیح تر به پیش ببریم زیرا تکنولوژی، امکان ارتباط و تبادل اندیشه ها، راهکارها و نظرات ما را با کسانی که با آنها منافع مشترک طبقاتی داریم آسانتر کرده و به ما کمک می کند تا همواره با افراد هم طبقه خود در ارتباط باشیم.

اما مساله اصلی که امروز بشر با آن مواجه است، "جهانی سازی سرمایه" می باشد که در واقع به معنای جهانی کردن منافع سرمایه داران و صاحبان ابزار تولید است که می بایست مورد اعتراض و مقابله قرار گیرد. قدرتهای بزرگ و صاحبان شرکتهای فراملی قصد دارند، طی این روند از جهانی سازی، ثروت جهان را بیش از پیش در دست خود انباشته کنند که در این راستا برای کنترل هر چه بیشتر، محتاجند تا همه جهان را زیر سلطه خود قرار دهند. آنان در سالهای اخیر کوشیده اند با هر چه بیشتر نظامی کردن جهان، تسلط بی چون و چرای خود بر جهان را عملی سازند. در واقع، اعمال سیاستهای نظامیگری از طرف قدرتهای بزرگ جهان و در راس آنها آمریکا، جهت توسعه و گسترش جهانی سازی سرمایه صورت می گیرد و از آنجا که ذات سرمایه استبدادی می باشد، بنابراین در همه دنیا به پایمال کردن حقوق دموکراتیک مردم دست می زند. پدیده جهانی سازی سرمایه دقیقاً در راستای منافع سرمایه داران و بر خلاف منافع زحمتکشان عمل می کند. اصل و ماهیت جهانی شدن و یکپارچه شدن اگر بر پایه معیارهای انسانی و بر طبق منافع زحمتکشان و احترام به حقوق دموکراتیک انسانها باشد پدیده ای مفید است اما پدیده ای که امروز با آن روبرو هستیم این است که آنان قصد دارند با اعمال زور و

پیمانهای نظامی مثل پیمان آتلانتیک شمالی می باشد. امروز نقش نظامی ناتو در عمل گسترش پیدا کرده و به عبارت دیگر ناتو نقش پلیس خشن در جهان را بازی می کند که منافع ایالات متحده آمریکا را تامین می کند.

نئولیبرالیسم اقتصادی در واقع پشتوانه نظری بازار آزاد به معنای بازار بدون نظارت و قانون را تشکیل می دهد که خواهان حذف هر چه بیشتر قوانین و ارزشهای اجتماعی که بر سر راه ظهور بازارهای نو و رشد دایمی مصرف گزایی مانع ایجاد می کند، می باشد. در این روند سرمایه داران می بایست بتوانند رقابت آزادانه داشته باشند و همه چیز را به کالا تبدیل کنند و برای سود به فروش برسانند. طی این پروسه نه تنها کالا بلکه، تمامی عوامل تولید مانند نیروی کار انسانها را در رقابت کامل و بدون نظارت قانون و دولت قرار می دهند، دستمزد نیروی کار را پایین نگه داشته و همواره تنزل می دهند. کاهش دایمی حقوق تولید کنندگان عنصر اصلی اقتصاد آزاد را تشکیل می دهد. در این راستا نئولیبرالیسم اقتصادی از نظر رو بنای سیاسی خواستار کوچک کردن نقش دولت به عنوان تصمیم گیرنده می باشد. به بیان دیگر، خلع تسلط دولت ملی بر ثروتهای ملی که اگر بخش اندکی از آن نیز نصیب مردم می شود با خصوصی کردن آن، از مردم گرفته می شود. البته این عمل خصوصی سازی نیست و برعکس ادعای آزاد سازی فعالیتهای اقتصادی، این خصوصی سازی به معنای هر چه بیشتر انحصاری کردن و گسترش تصاحب ثروت در چنگال شرکتهای بزرگ فراملی است. اگر چه همین نظام بازار آزاد نقش دولت محلی را کم می کند اما از سوی دیگر برای حفظ منافع خود از دولتها می خواهد قوانینی را تدوین و به اجرا در آورد که خواستهای مادی زحمتکشان را محدود کند و حقوق دموکراتیک مردم و مخصوصاً حقوق زحمتکشان را پایمال کرده و بیش از پیش مورد تهدید قرار دهد. این سیاست آنچنان عمل می کند که کارگران همواره در رقابتی سخت در بازار کار قرار بگیرند و به این صورت، قیمت نیروی کار انسانی یعنی همان حقوق کارگران را پایین نگه داشته و در عوض آنان را ساعات بیشتری در اختیار صاحب سرمایه قرار بدهد. در مجموع، جهانی سازی سرمایه به معنای تحت سلطه قرار دادن فعالیتهای اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان جهت تحمیل وسیع تر سیاستهای نئولیبرالیسم اقتصادی به نفع قشر بسیار قلیل صاحبان سرمایه های فرا ملی و کالان سرمایه داران در سطح جهانی می باشد. دستاورد اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم اقتصادی چیزی به جز حمله به حقوق دموکراتیک انسانها و

به یغما بردن امکانات رفاهی همگانی نمی باشد. عدم تناسب درآمد و هزینه زندگی، تشدید فقر و تعمیق اختلاف طبقاتی طی این پروسه به صورت بی سابقه ای رشد کرده، به طوری که اختلاف دستمزدها بین بیست درصد از ثروتمندترین مردم جهان و بیست درصد از فقیرترین آن، از سی برابر در سال ۱۹۶۰ به شصت برابر در سال ۱۹۹۹ رسیده و تخمین زده می شود که این میزان به صد برابر در سال ۲۰۱۵ افزایش پیدا کند. مردم آمریکای جنوبی از سال ۱۹۷۰ از اجرای مجدد سیاستهای نو - لیبرالیستی رنج بردند، به طوری که دویست میلیون نفر (۴۶٪) از جمعیت این منطقه در فقر زندگی می کنند. در واقع درآمد واقعی مردم بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۱ در آرژانتین ۱۴٪، اورگوئه ۲۱٪، ونزوئلا ۵۳٪، اکوادور ۶۸٪ و بولیوی ۷۳٪ کاهش یافته است.

پدیده جهانی سازی سرمایه، انعکاس تغییر توازن قدرت به نفع سرمایه داری در سطح جهانی می باشد و وظیفه ما تغییر این توازن به نفع زحمتکشان است. البته تاریخ بشر در واقعیت عینی امروز به ما آموخته که تضاد آشتی ناپذیر و دایمی میان کار اجتماعی و سرمایه خصوصی هرگز اجازه نخواهد داد که تمام فعل و انفعالات جهان در اختیار سرمایه و سوداگری قرار بگیرد و در مقابل جهانی سازی سرمایه، جنبش بدیل جهانی سازی، فوروم های اجتماعی فراوانی قرار دارند و زحمتکشان جهان همواره به اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی اعتراض می کنند.

بازتاب منفی جهانی سازی سرمایه بر روی مسایل زنان بسیار مهم و نکته ای است که در تمام محافل و نشستها پیرامون مسایل زنان مورد بررسی قرار می گیرد.

اگر چه جهانی شدن باعث می شود که زنان در سراسر جهان با هم در ارتباط قرار بگیرند و این امکان را به آنان می دهد تا با رد و بدل کردن گزارشات پیرامون مسایل زنان در سراسر جهان از اوضاع و شرایط زنان منطقه آگاهی پیدا کنند و از دیگر سو باعث بالا رفتن سطح آگاهی برای قدرت یابی بیشتر و افزایش سطح هویت آنان می شود و همچنین به بهتر سازماندهی کردن مبارزات زنان در سراسر جهان کمک به سزایی می کند اما به شیوه ای که امروز جهان سرمایه داری به رهبری آمریکا قصد دارد بر جهان تسلط پیدا کند و بدین ترتیب روند جهانی سازی سرمایه که بر پایه نئولیبرالیسم اقتصادی استوار است را سرعت بخشد، موقعیت زنان سراسر جهان طی پروسه جهانی سازی سرمایه به طور شدیدی مورد لطمه قرار می گیرد. بسیاری از مردم جهان طی اعمال دهه ها

بقیه در صفحه ۱۲

## در عراق هم چوب را میل بفرمایید و هم پیاز را!

### جهانی سازی

بقیه از صفحه ۱۱

سیاستهای نو - لیبرالیستی زیر لوای الفاظی همچون "تعدیل اقتصادی"، "شوکت تریایی" و یا "ایجاد بازار کار انعطاف پذیر" که در راستای جهانی سازی سرمایه انجام شده است، در فقر مفرط به سر می برند و سطح معیشتی مردم به طور فزاینده ای تنزل پیدا کرده است. فقر، عدم امنیت شغلی به دلیل تبعیض جنسیتی حاکم به عنوان معضلی جهانشمول، بیشتر شرایط زنان را مورد صدمه قرار می دهد. دولتهای زیادی طی روند جهانی سازی سرمایه، قوانین و استانداردهای قانون کار را حذف کرده اند. بسیاری از این قوانین مانند قانون علیه آزار جنسی در محل کار و یا قانون رفع اختلاف دستمزد بین زنان و مردان از حقوق زنان شاغل حمایت می کنند.

مساله خصوصی سازی که در واقع انحصاری کردن فعالیتها در راستای جهانی سازی سرمایه بر پایه اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم اقتصادی است، همراه با لغو قوانین کار، تبعیض اقتصادی و شکاف پرداخت دستمزد بین زنان و مردان را بیش از پیش تعمیق می دهد. زنانی که در بخش خصوصی کار می کنند، به دلیل جنسیت شان دستمزدی به مراتب کمتر از مردان همکار خود دریافت می کنند. در همین رابطه به گزارش گاردین، اختلاف دستمزد بین زنان و مردان در بخش خصوصی چهل و پنج درصد و در واقع ده برابر بیشتر از بخشهای دولتی است. بنابراین، با خصوصی سازی هر چه بیشتر در روند جهانی سازی سرمایه، شدت گیری بیش از پیش اختلاف دستمزدها بین زنان و مردان در بخشهای خصوصی، بعید نخواهد بود. در طی این روند، امکانات رفاهی - دولتی مانند امکانات آموزشی، بهداشتی، نقل و انتقال و پست به بخش خصوصی واگذار شده است و این نیز بیشتر از هر چیز موقعیت زنان را مورد آسیب قرار می دهد زیرا معمولا زنان بیشتر از مردان در بخشهای دولتی مشغول به کار هستند. در این رابطه بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ در کشور کانادا با بسته شدن ۱۳۰۰ دفتر پست و سپردن آن به بخش خصوصی، سه هزار نفر بیکار شده اند که از این تعداد هشتاد و سه درصد زن بوده اند.<sup>(۱)</sup>

از آنجا که مردان با مدرک تحصیلی بالاتر از زنان با مدرک تحصیلی

لیلا جدیدی

تدارکات مذاکره جمهوری اسلامی با دولت بوش در حالی صورت می گیرد که رییس جمهور آمریکا در گزارش استراتژی امنیت ملی به مجلس نمایندگان این کشور که بایستی هر چهار سال یکبار انجام پذیرد گفت: "اگر تلاشهای دیپلماتیک با ایران به نتیجه ای نرسد، رویارویی اجتناب ناپذیر خواهد بود." او نه تنها احتمال حمله نظامی را به ایران را رد نکرد بلکه، بر برداشتن قدم اول تهاجم از جانب آمریکا تاکید کرد. بوش می گوید: "سلاح هسته ای در دست رژیم ایران بارها زیانبار تر از تهدید تروریستی است."

اگر چه دولت آمریکا به یاری متحدین اروپایی خود، ساخت بمب اتمی توسط مالاها را در بحث روز خود قرار داده اما در حال حاضر فوری و فوری ترین معضل این کشور، مساله عراق و برون رفت از بحران موجود است. در چنین حالتی جمهوری اسلامی که فضای بازی در میدان هسته ای را از دست داده است، به خیال خود رو به فضای گشاده تر عراق آورده است.

از یک سو لاریجانی ادعا می کند "برای کوتاه کردن دست اشغالگران" به گفتگو می نشیند و متکی، وزیر امور خارجه رژیم داد سخن می دهد که از موضع "مدعی" وارد خواهند شد و از سوی دیگر آمریکا که به نقش اغتشاش برانگیز مالاها و دوستان سوریه ای آنان آگاه است، اعلام می کند که به هیچ وجه قصد گشودن باب مذاکره را ندارد و هدف از تماس احتمالی "متوقف ساختن دخالتهای جمهوری اسلامی در امور داخلی عراق است."

در چنین شرایطی است که رژیم مالاها در نهایت درماندگی به گفتگویی که احتمال راه فرار از بحران هسته ای را داشته باشد تن می دهد و بدین وسیله بر عمق بحرانهای خود می افزاید.

آقای متکی که به خوبی به عمیق تر شدن شکاف رژیم "یکدست" آگاه است، به اتحاد و همبستگی درون رژیم اصرار می ورزد. اما اظهار نظرهای حکومتیها امر دیگری را شهادت می دهد. عباس عبیدی در این باره می گوید: "ایران در بدترین شرایط ممکن مذاکره را پذیرفته است" و حسین شریعتمداری، مسوول روزنامه کیهان هشدار می دهد: "مذاکره با آمریکا عبور از خط قرمز و تن دادن به یک ذلت است."

رویدادهای آینده برای رژیمی که اکنون تمام تلاشهایش بر محور حفظ بقا صورت می گیرد، پیام خوش آیندی در آستانه سال نو به همراه نخواهد داشت. ۲۷ اسفند ۸۴

پایین تر و یا بدون مدرک تحصیلی، بیشتر حقوق می گیرند، بدیهی است که حذف و یا کاهش کمک هزینه تحصیلی بیشتر موقعیت زنان را مورد تاثیر قرار می دهد. زیرا کمک هزینه تحصیلی زنان در مجموع کمتر از مردان است و اعمال چنین سیاستهایی موقعیت زنان برای دریافت مدرک تحصیلی را کمتر می کند. در همین رابطه دولت کانادا طی دهه های اخیر بودجه آموزش و پرورش را بسیار پایین آورده، حق تدریس کاهش و هزینه تحصیلی افزایش پیدا کرده است.

طی روند جهانی سازی سرمایه، بسیاری از شرکتها اقدام به تعدیل نیروی انسانی می کنند. در این مسیر آنان احتیاج دارند تا مخارج شان را پایین بیاورند و در واقع این عمل را با کاهش حقوق کارگران، حذف امکانات رفاهی، اخراج و یا استخدام آنان برای انجام کار نیمه وقت به جای تمام وقت، انجام می دهند. از آن جهت که مجددا زنان دقیقا به دلیل تبعیض جنسیتی حاکم، بیشتر از مردان مورد ستم اقتصادی قرار می گیرند، بنابراین تعدیل نیروی کار بیش از پیش موقعیت زنان را مورد حمله قرار می دهد. بیشتر زنان هستند که اخراج می شوند و یا به عنوان کارگران نیمه وقت و نه تمام وقت استخدام می شوند. در همین رابطه در کشور کانادا هفتاد درصد شاغلان نیمه وقت را زنان تشکیل می دهند.

در واقع حمله به وضعیت معیشتی مردم، تنزل بیش از پیش دستمزدها و تشدید بحران بیکاری در کشورهای پیرامونی باعث می شود که زنان در جستجوی زندگی بهتر و جهت دستیابی به کار، اقدام به مهاجرت کنند و در بسیاری موارد در چنگ مافیای جهانی سکس اسیر می شوند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که یکی دیگر از معضلات تولید شده در راستای روند جهانی سازی سرمایه، قاچاق زنان و دختران جوان در جهان می باشد و در واقع سود مافیای تجارت سکس را بالا می برد.

مساله دیگری که در روند جهانی سازی سرمایه موقعیت زنان را مورد تاثیر قرار می دهد، گردش سرمایه است. در روند جهانی سازی سرمایه، گردش سرمایه بین کشورها بیشتر می شود و بسیاری کشورها سعی می کنند توسط تولیدات و اصولا پیشرفت بخش صادرات، اقتصاد کشور را تجدید بنا کنند. در همین راستا، بسیاری کشورهای آسیایی برای جذب سرمایه گذار خارجی، بخش تولیدات خانگی را افزایش داده اند که در این محلهای کار خانگی قوانین و قراردادهای

کار رعایت نمی شود. بسیاری از کارکنان این بخشها مانند کارخانه های بسته بندی سبزیجات در مکزیک، کارگرهای کارخانه های پارچه بافی در چین و خرمن بردارهای پنبه در مصر، زن هستند و در همه این بخشها به طور مشخص کارگرهای زن از عدم وجود قوانینی که از آنها حمایت کند، ساعات طولانی کار و عدم وجود امنیت در زمان کار، به شدت رنج می برند.

نظامی کردن جهان به عنوان یک شیوه دیگر، به خصوص امروزه از طرف قدرتهای بزرگ برای کنترل هر چه بیشتر جهان و تسریع روند جهانی سازی سرمایه اعمال می شود که این نیز یعنی "جنگ" و تاثیرات مخرب آن بیشتر زنان را در برمی گیرد. به طور تاریخی زنان جزو کسانی هستند که در زمان جنگ مسوولیت حمایت از کودکان، افراد سالمند و مجروحان خانواده را به عهده دارند و به همین دلیل دیرتر از دیگران منطقه جنگی را ترک می کنند. بدین ترتیب آمار مرگ و میر زنان در میان افراد غیرنظامی بسیار بالا است. زنان در شرایط جنگی مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و در مواردی نقص عضو پیدا می کنند، ربوده می شوند و بی خانمانی لطمات جبران ناپذیری به آنها وارد می کند.

در عصری که انقلاب تکنولوژیک امکان بالقوه بهره برداری از تمام منابع جهان را به نفع انسان فراهم کرده، به دلیل سلطه اقتصادی - سیاسی گرایشات نو - لیبرالیستی (در راستای جهانی سازی سرمایه) میلیونها نفر از زحمتکشان جهان با فقر، بیکاری، عدم امنیت شغلی و اجتماعی، جنگ و تخریب محیط زیست مواجه هستند که بدون شک زنان را هم تحت تاثیر قرار می دهد زیرا زنان ستمدیده ترین و زحمتکش ترین بخش طبقه زحمتکش جهان هستند. البته از آنجا که زنان بیشتر از مردان مورد ستم قرار می گیرند، از کارایی بسیار بالایی هم برخوردارند و در صف اول جنبش بدیل جهانی سازی، جنبش ضد سیاستهای نو - لیبرالیستی و جنبش ضد جنگ قرار دارند و در بسیاری از فورومهای اجتماعی در جهان، فعالیت می کنند.

Bread Dorothy Inglis,<sup>(۱)</sup>  
and Roses. St. John's,  
Newfoundland: Killick  
Press, 1996

## زنان در مسیر رهایی

الف - آناهیتا

هزاران زن در سراسر جهان برای احقاق حقوق خود و علیه سیاستهای جنگ طلبانه راهپیمایی کردند

هشت مارس، روز جهانی زن در سراسر دنیا توسط زنان با برپایی راهپیمایی های بزرگ جشن گرفته شد. این زنان در قسمت های متفاوت جهان بر ادامه تبعیض جنسیتی از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شکاف پرداخت دستمزد بین زنان و مردان و همچنین بر ضرورت حضور بیشتر زنان در بالاترین نهادهای قانون گذاری تاکید کردند

ای اف پی، ۹ مارچ ۲۰۰۶

هزاران زن از ونزوئلا همزمان با فرارسیدن روز جهانی زن با برپایی راهپیمایی بر سیاست های نظامی گری دولت آمریکا اعتراض کردند. این زنان بیانیه ای در اعتراض به سیاستهای نظامی گری دولت آمریکا، به سفارت این کشور تحویل دادند. بر اساس این گزارش بیانیه فوق توسط دو میلیون نفر امضا شده بود. زنان پرچم هایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود «ما زنان خواهان صلح هستیم».

تعداد بیشماری زن از اطراف کشور مکزیک با برگزاری راهپیمایی به مناسبت هشت مارس در مکزیکو سیتی بر خواست های خود مبنی بر استقلال و رفع تبعیض تاکید کردند.

زنان در نیکاراگوئه با راهپیمایی در مقابل سفارت آمریکا در ماناگوا خواستار پایان سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا شدند. در راهپیمایی زنان در کاراکاس، یک زن حامله بر روی شکم خود نوشته بود «من صلح می خواهم».

زنان کشور بولیوی با ابراز خوشحالی از برگزیدن سومین زن از میان نامزدهای انتخاباتی مجلس قانونگذاری این کشور با برپایی راهپیمایی خواهان برابری کامل و پنجاه درصد کرسی های مجلس شدند.

در حالیکه کشمکش نظامی در کلمبیا با مداخله آمریکا بدتر شده است و بر اساس گزارش مامور عالی رتبه امور مهاجرتی سازمان ملل بیش از یک میلیون زن از این کشور مهاجرت کرده اند که بیش از نصف این میزان به دلیل ناسازگاری های نظامی مجبور به مهاجرت شده اند. زنان در پاراگوئه و بسیاری قسمت های دیگر با برگزاری سمینار و راهپیمایی، روز جهانی زن را جشن گرفتند. همچنین



در رابطه با مسأله شرکت زنان در عرصه سیاسی برای آلبانی یک شرم است. قابل ذکر است که کشور آلبانی بر اساس آخرین آمار پیرامون میزان شرکت زنان در اتحادیه های درون پارلمانی، در میان کشورهای جهان صد و چهاردهمین مقام را کسب کرد. بر اساس همین گزارش خبرگزاری های سراسر آلبانی، این راهپیمایی و تحصن را از تلویزیون های کشوری و محلی پخش کرده و با بسیاری از شرکت کنندگان و تشکل های برگزار کننده آن گفتگو کردند.

راهپیمایی آرامی توسط خانم سینیدی شیهن، فعال ضد جنگ که فرزند خود را در جنگ عراق از دست داده است در واشنگتن، مقابل کاخ سفید همزمان با روز جهانی زن برگزار شد.

اعتراض تشکل های غیر دولتی

مدافع حقوق زنان در آلبانی

وان ورلد ایست اروپا، ده مارچ ۲۰۰۶ به مناسبت روز جهانی زن، تشکل های غیر دولتی زنان در کشور آلبانی با برگزاری بزرگترین تحصن در تاریخ این کشور به نقض حقوق زنان اعتراض کردند. این تحصن که ابتکار «اتحادیه سودمند برای زنان آلبانی» بود در بولوار اصلی شهر تیرانا، پایتخت این کشور با شرکت و حمایت عمده ترین تشکل های مدافع حقوق زنان، تشکل های مدافع حقوق جوانان و کودکان، انجمن حمایت از برنامه واکسیناسیون کودکان، مرکز توسعه و نفوس آلبانی و دیگر تشکل های غیر دولتی مدافع حقوق بشر برگزار شد. اولین شعار این تحصن «زنان هر روز تاریخ را می سازند» جهت بالا بردن آگاهی پیرامون اهمیت مسایل زنان، خشونت علیه زنان و شرکت زنان در عرصه سیاسی بود. تحصن کنندگان با استفاده از دو هلیکوپتر به انتشار بیانیه هایی در سراسر شهر پرداختند. این تشکل ها همچنین با برگزاری راهپیمایی مقابل دفتر رییس جمهور این کشور با در دست گرفتن پرچم های زیادی خواستار واکنش و اقدام عاجل و قاطع دولت برای رفع تبعیض جنسیتی شدند. آنان همچنین خواستار سهم بیشتری برای زنان در انتخابات محلی شدند. از طرف تشکل «اتحادیه سودمند برای زنان آلبانی» دو هلیکوپتر در آسمان شهر به پرواز در آمد که یکی با حمل آگهی خواستار پذیرش زنان از طرف جامعه و دیگری خواستار اصلاح موقعیت زنان در عرصه سیاسی شد. راهپیمایی دیگری نیز در مقابل پارلمان این کشور برپا شد که بر پرچم های آن نوشته شده بود «داشتن مقام صد و چهاردهمین در میان کشورهای جهان

پیرامون آنچه بر وی گذشته است، توجه مجامع جهانی را به خود جلب کرد. وی می گوید «من زندگی را وقف زنان کردم، هر جا که بر زنی ستم می رود به آنجا رفته و از او دفاع می کنم». هزاران زن که بیشتر آنان دختران جوان و دانشجویان دانشگاه بودند با برگزاری تحصن در مقابل مجلس این کشور در اسلام آباد خواهان لغو قوانینی شدند که در مسیر مجازات تجاوزکنندگان مانع ایجاد می کند. سیصد زن در کراچی در حالی که پرچم هایی که بر روی آن نوشته شده بود «ما همه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را رد می کنیم» را حمل می کردند خواستار لغو قوانین تبعیض آمیز شدند.

آنان ابراز داشتند که تحت لوای قانون «حدود» برای پیگیری پرونده تجاوزگر، شهادت چهار زن لازم است و این مسأله پیگیری پرونده را منتفی می سازد زیرا این اعمال وحشیانه به صورت نادر در ملاء عام انجام می گیرد.

هر ساله هزاران مورد خشونت علیه زنان مانند قتل ناموسی در پاکستان گزارش می شود.

هزاران زن نیز در بنگلادش با برپایی



تظاهرات خواستار پایان حمله با اسید که هر ساله صدها زن را بدنام می کند، شدند. این تظاهرات توسط زنان و مردان بنگلادشی در سی شهر بنگلادش برگزار شد. بر روی پرچم هایی که آنان حمل می کردند نوشته شده بود «حمله اسیدی به زنان را متوقف کنید»، «سرمایه حمایت از زنانی که توسط اسید مورد حمله قرار گرفته اند را بیشتر کنید». یکی از برگزارکنندگان راهپیمایی ابراز داشت که ما هیچ راه دیگری به جز اعتراض کردن نداریم، بیشتر قربانیان این عمل وحشیانه زن هستند اما اخیرا مردان و کودکان نیز در طی مشاجره خانوادگی پیرامون مسایلی مانند دارایی با پاشیدن اسید مورد حمله قرار گرفته اند. یکی از ستاره های سینمای این کشور اعلام کرد «ما امروز اینجا هستیم تا قول بقیه در صفحه ۱۴

زنان در آسیا خواستار حقوق برابر شدند

خلیج تایمز، پنج مارچ ۲۰۰۶ هزاران زن از روستاها و شهرهای پاکستان همزمان با گرامیداشت روز جهانی زن، جهت پایان قوانین تبعیض آمیز، برای آزادی و برابری گرد هم آمدند. پنج هزار زن در شهر مولتان، واقع در شرق ناحیه پنجاب فریاد زدند «زنان خواستار آزادی هستند»، «زنان خواهان حقوق خود می باشند». در میان تظاهرکنندگان زنی که در سال ۲۰۰۲ توسط شورای پنجاب بدلیل اینکه برادرش با دختری از قبیله دیگری ارتباط برقرار کرده بود به مجازات محکوم شده بود، وجود داشت. مجازات وی این بود که توسط مردان آن قبیله بصورت دست جمعی مورد تجاوز جنسی قرار بگیرد. این زن که مایی نام دارد با صحبت کردن

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۳

دهیم که تروریست های اسید به دست را متوقف خواهیم کرد»، «ما باید به تروریسم اسیدی به هر قیمتی، پایان دهیم».

در قسمت آسه واقع در سونامی نیز هزاران زن علیه رفتار تبعیض آمیز تحت لوای قوانین اسلام، با برپایی راهپیمایی اعتراض کردند. ایالت آسه

اما تعداد زیادی از احزاب مسلمان برای تصویب طرح مذکور جهت جلوگیری از آنچه آنان تباهی اخلاقی عنوان می کنند، به دولت فشار می آورند. در ناحیه کیلا که بیشترین جمعیت آن را مسلمانان میانه رو تشکیل می دهند، در طی یک نشست پیرامون مسایل زنان اعلام شد که با این که زنان برای رعایت و دستیابی به حقوق خود بی وقفه تلاش می کنند اما هنوز راهی طولانی برای رسیدن به برابری جنسیتی وجود دارد. آنان همچنین



اعلام کردند که فقط ده درصد از زنان مالزی در نهادهای قانونگذاری شرکت های محلی به همکاری مشغولند. پایین

بودن میزان وجود زنان در نهادهای قانونگذاری می تواند مانعی برای رعایت کامل حقوق آنان هنگامی تدوین قوانین باشد.

بر اساس گزارش اسوشیتدپرس بیش از دوازده هزار زن فلیپینی با برپایی راهپیمایی خواستار اخراج گلوریا ماکاپاگال ارویو، رئیس جمهور این کشور که بر اساس گفته های آنان از قدرت خود سوء استفاده می کند، شدند.

## راهپیمایی زنان کارگر در برزیل

اسوشیتدپرس، هشت مارچ ۲۰۰۶

زنان جنبش کارگری دهقانان بدون زمین با برگزاری راهپیمایی همزمان با روز جهانی زن در مزرعه ای واقع در سی و هفت مایلی برزیل، این روز را گرمی داشتند. بیش از پانصد زن کارگر با اشغال این مزرعه خواستار اصلاحات و دارایی برای همه زنان شدند.

زنان در کشور تانزانیا با برگزاری تظاهراتی روز هشت مارس را جشن گرفتند و بر خواست های خود مبنی بر برابری و حذف تبعیض علیه زنان تاکید کردند.

زنان فلسطینی و اسرائیلی با شرکت در راهپیمایی مشترک در روستایی واقع در ساحل غربی رود اردن، هشت مارس را جشن گرفتند.

تنها محل در اندونزی می باشد که با اعمال قوانین اسلامی زنان را به حفظ حجاب و مردان را به انجام پنج بار اقامه نماز وادار می کند اما زنان شکایت می کنند که فقط زنان هستند که توسط پلیس های مسلح مذهبی مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. ریچان یکی از برگزارکنندگان راهپیمایی اعلام می دارد که برخی از دوستان من فقط به خاطر پوشیدن شلوار جین توسط پلیس های مذهبی بازداشت شده اند. زنان از پارلمان ایالتی می خواهند که به آنان آزادی بیشتری در انتخاب پوشش بدهد. یکی از رهبران راهپیمایی ابراز داشت «زنانی که لباس تنگ می پوشند نه دارای روحی شیطانی هستند و نه این که فاسد هستند».

صدها زن در جاکارتا، پایتخت اندونزی با برگزاری راهپیمایی به طرحی که همزمان با ممنوع کردن برهنگی در هنر، نمایان بودن پا و شانه زنان در ملا عام را جرم به حساب می آورد، اعتراض کردند. همچنین بر اساس این طرح جرم بوسه زدن در ملاعام پرداخت صدهزار دلار و یا ده سال حبس در زندان می باشد. یکی از راهپیمایی کنندگان که مانند دیگران حاضر به اعلام اسم فامیل خود نشد در این رابطه ابراز داشت که این طرح نوع دیگری از تبعیض است، ما باید علیه این بیداد به پاخیزیم. اندونزی دارای یک حکومت سکولار است و اقوام مسلمان که جمعیتی نزدیک به ۱۹۰ میلیون نفر دارند، نسبت به اقوام مسلمان دیگر ساکن خاورمیانه و آسیای جنوبی کمتر ریاضت می کشند.



به سادگی می توانم با کار به عنوان مدل به شهرت زیادی برسیم، ما پدر و برادر خود را در جنگ از دست داده بودیم و از نظر مالی شدیداً در مضیقه قرار داشتیم بدین ترتیب مادرم با آنان موافقت کرد. زمانی که مرا به کویت انتقال دادند متوجه شدم که همه قول و قرارهای آنان یک دروغ بود. آنان مرا مجبور به ارتباط جنسی با مردان کردند. مرا به ازای پول زیادی به مرد شصت و هفت ساله ای برای یک هفته کرایه دادند و این اولین تجربه جنسی من بود. (داستان زندگی سمیرا بسیار اسفناک است).

این گزارش همچنان به تعداد زیادی از زنان که در زندان ها تحت کنترل نیروهای آمریکایی و انگلیسی مانند زندان ابوقریب و الکدیما به سر می برند، اشاره می کند. بر اساس این گزارش بیش از سیصد و پنجاه زن عراقی تنها در این دو زندان به سر می برند و در معرض شکنجه های متفاوت و آزار و اذیت های جنسی قرار دارند. وزرای داخلی عراق شکنجه زنان بازداشت شده را انکار می کنند اما اضافه می کنند که اطلاعات در رابطه با وضعیت زنان زندانی محرمانه است.

زنانی که از زندان رها شده اند در رابطه با این مسأله به دلیل ترس سکوت می کنند اما بعضی از آنان مانند سورا ابدو که مدت دو ماه در زندان به سر برده است اعلام می دارد که توسط مأموران دزدیده شده و مورد آزار و اذیت های جنسی قرار گرفته است. وی ادامه می دهد وقتی که آزاد شدم این مسأله را به پلیس گزارش دادم اما آنان بعد از بازجویی و آزار و اذیت، من را به همکاری با دیگر زندانی ها و توطئه کردن متهم کردند. وی ادامه می دهد آیا این آن دموکراسی و امنیت بود که بعد از سقوط دولت صدام حسین به ما قول داده شد؟؟!



زنان کارگر در کره جنوبی با برگزاری راهپیمایی علیه دولت همزمان با روز جهانی زن خواستار حقوق بیشتری

برای کارگران و اصلاح شرایط کار در سیول شدند.

رشد خشونت علیه زنان در عراق

آلرت نت، دوازده مارچ ۲۰۰۶

تشکل غیردولتی «آزادی زنان» در بغداد همزمان با روز جهانی زن در رابطه با افزایش خشونت علیه زنان عراقی از زمان حمله آمریکا و سرنگونی دولت صدام حسین، هشدار داد. سنار محمد مسئول این تشکل ابراز می دارد که بر اساس اخبار و گزارشات تشکل های مدافع حقوق بشر در طی سه سال گذشته، خشونت علیه زنان که شامل آزار و اذیت های جنسی و فیزیکی، مجبور کردن زنان به تن فروشی، آدم ربایی و قتل ناموسی می باشد، افزایش یافته است. وی ادامه می دهد که از دست دادن حقوقی که زنان قبلاً از آن برخوردار بودند بسیار تکان دهنده و اسفناک است. بر اساس این گزارش آدم ربایی برجسته ترین معضل به شمار می رود. در بسیاری موارد زنانی که ربوده می شوند به اجبار مجبور به تن فروشی شده و مورد انواع شکنجه ها از جمله شکنجه های جنسی قرار می گیرند در حالی که این مسأله در زمان حکومت صدام حسین مسأله ای کاملاً غیرمحسوس و بسیار نادر بود. بیشتر از دو هزار زن از آپریل سال ۲۰۰۳ از عراق ربوده شده اند. محمد می گوید «پول ارزشی بیشتر از انسان پیدا کرده و ربودن زنان به عنوان غنیمت، کوتاه ترین راه پول در آوردن به نظر می رسد».

بسیاری از زنان عراقی برای بهره کشی جنسی توسط قاچاقچیان انسان به کشورهای دیگر از جمله سوریه، یمن، اردن و مناطق خلیج فروخته شده اند. قربانیان این عمل غیرانسانی معمولاً توسط قاچاقچیان در رابطه با زندگی بهتر فریب داده می شوند. زن جوانی با نام مستعار سمیرا داستان غم انگیز خود را این چنین آغاز می کند که آنان به مادر من گفتند که من بسیار زیبا هستم و

## انتشار کتاب و سی.دی اشعار فروغ

## فرخزاد با صدای نیکو کریمی

به تازگی از سوی نشر «توفیق آفرین» در تهران، یک کتاب کوچک شعر بنام «باردیگر، تولدی دیگر» که یک سی.دی را نیز در برمی گیرد، منتشر شده است. در این کتاب به دو زبان انگلیسی و فارسی از فروغ فرخزاد، سرودها و جهانبینی اش سخن به میان آمده و بر سی.دی آن هم چند سروده معروف فروغ فرخزاد نشسته که جمله‌گی توسط خانم نیکو کریمی بازیگر سرشناس و کارگردان سینما دکلمه شده است.

شهرام میریان در برنامه روز پنجشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ رادیو آلمان در این باره گفت: «نیکو کریمی در آغاز کتاب کوچکی که این سی.دی در آن جای گرفته است به تشریح دیدگاههای خود نسبت به اشعار فروغ فرخزاد پرداخته و گفته است، شعر فروغ برایش ساده و صمیمی است و این طور به نظر می‌رسد که گفتگوی خودش با خودش است، سوای این، شعر فروغ برایش زمزمه‌ای زنانه است.

نیکو کریمی سپس شهادت فروغ فرخزاد را می‌ستاید و می‌گوید، او بوده است که صدای شکسته در گلوئی زنان را فریاد کشیده و در پایان ابراز خوشحالی می‌کند که صدایش همراه با شعر فروغ در این سی.دی جای گرفته است، از جمله این قطعه:

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم داد  
به جویبار که در من جاری بود  
به ابرها که فکرها طویل بودند  
به رشد دردناک سپیدارهای باغ که با من  
از فصل‌های خشک گذر می‌کردند  
به دسته‌های کلاغان  
که عطر مزرعه‌های شبانه را  
برای من به هدیه می‌آوردند  
به مادرم که در آیین زندگی می‌کرد  
و شکل پیری من بود

و به زمین، که شهوت تکرار من، درون ملتپاش را  
از تخمه‌های سبز می‌انباشت، سلامی دوباره خواهیم داد.»

شهرام میریان اضافه می‌کند که: «بخشی از این کتاب نیز، اختصاص به سروده‌های فروغ فرخزاد به زبان انگلیسی دارد. در این بخش زنده یاد «کریم امامی»، مترجم سرشناس، برخی از اشعار فروغ را به زبان انگلیسی برگردانده و در پیشگفتار آن ضمن اشاره به آشنایی‌اش با فروغ در سازمان «گلستان فیلم» از فیلم مستند «خانه سیاه است» یاد می‌کند و آن را یکی از قویترین فیلمهای مستند تاریخ سینمای ایران می‌داند و در پایان افسوس می‌خورد که فروغ جوانمرگ شد و فرصت خلق آثار بیشتری را در هردو گستره شعر و سینما نیافت.»

تولدی دیگر، به آفتاب سلامی دوباره خواهیم داد، تنها صداست که می‌ماند، باد ما را خواهد برد، پرنده مردنی‌ست و بالاخره فتح باغ، از جمله سروده‌هایی از فروغ فرخزاد است که در سی.دی «باردیگر، تولدی دیگر» دکلمه شده و از سوی نشر «توفیق آفرین» در تهران انتشار یافته است.

## هفتاد و هشتمین مراسم

## اهدای جوایز اسکار

روز یکشنبه پنجم ماه مارس ۲۰۰۶ برابر با ۱۴ اسفند ۱۳۸۴ هفتاد و هشتمین مراسم اهدای جوایز اسکار در لس آنجلس برگزار شد.

جشنواره اسکار از سال ۱۹۲۹ تا به حال، هر سال از طرف آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا موسوم به آکادمی «اسکار» برگزار می‌شود. در کنار اسکار، جشنواره‌های سینمایی دیگری نیز در آمریکا برگزار می‌شود که در میان آنها می‌توان به جشنواره معتبر «گلدن گلوب» اشاره کرد.

در طی دهه‌های گذشته شمار رشته‌هایی که در آنها جایزه اسکار اعطا می‌گردد، تغییراتی را به وجود آمده است. اولین مراسم توزیع جوایز اسکار در سال ۱۹۲۹ مجموعاً ۹ رشته را در بر می‌گرفت، در حالیکه که در مراسم امسال، در بیست و یک رشته جایزه اعطا شد.

۲۱ رشته مراسم امسال عبارتند از: بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین فیلمنامه اصلی، بهترین بازیگر نقش دوم مرد، بهترین بازیگر نقش دوم زن، بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، بهترین فیلمبرداری، بهترین تدوین، بهترین موسیقی متن، بهترین ترانه، بهترین تدوین صدا، بهترین صداگذاری، بهترین جلوه‌های ویژه، بهترین فیلم مستند، بهترین طراحی هنری، بهترین طراحی لباس، بهترین چهره پردازی و بالاخره بهترین فیلم انیمیشن.

اسکار هفتاد و هشتم، یکی از بی سابقه‌ترین، نفس‌گیرترین و شگفت‌انگیزترین اسکارهای تاریخ بود. امسال فیلمهای بزرگ، محصولات عظیم و پر خرج، به حاشیه رانده شدند و فیلمهای مستقل و نیمه مستقل، جای آنها را گرفتند.

پیش از برگزاری مراسم اسکار بیشتر منتقدان و کارشناسان سینمایی آمریکا، در نظر خواهیها و یادداشتهای خود شانس «کوهستان بروک بک» را برای گرفتن جایزه بهترین فیلم بیش از بقیه فیلمها می‌دانستند و همه انتظار داشتند که این فیلم به دلیل پیروزی در «گلدن گلوب» جایزه‌ی اول اسکار را از آن خود کنند.

اما در یک رویداد غیر مترقبه در هفتاد و هشتمین جشنواره اسکار فیلم مستقل و پرفدورت «تصادف» با مضمون انسان دوستانه و ضدژن‌آدرپرستانه با کسب جایزه

بهترین فیلم و دو اسکار دیگر زلزله‌ای به پا کرد.

«کتی شولمن» که در کنار «پل هگیس» در تهیه این فیلم شرکت داشت، تصادف را یک فیلم درباره عشق، تساهل و حقیقت عنوان کرد. فیلم «تصادف» با داستان چند لایه‌ای خود که در لس‌آنجلس اتفاق می‌افتد، از سوی «پل هگیس»، کارگردان کانادایی، کارگردانی شده است، وی نویسندگی مشترک این فیلم را نیز به عهده داشته است. پل هگیس نویسندگی فیلم «دختر یک میلیون دلاری» برنده‌ی سال گذشته بهترین فیلم اسکار نیز بوده است.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از این فستیوال سینمایی گزارش داد که درام کم هزینه برخورد فرهنگها که «پل هگیس» آن را ساخته و تعصبات نژادی بین چند شخصیت را که به شکلی شگفت‌انگیز در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند بررسی می‌کند، نامزد دریافت شش جایزه اسکار بود که به اسکار تدوین فیلم، بهترین فیلم نامه اصلی و بهترین فیلم دست یافت.

پاتریک گلدشتاین در گزارشی در روزنامه لس آنجلس تایمز که روزنامه ایران در شماره روز جمعه ۱۹ اسفند ۱۳۸۴ بخشهایی از آن را با ترجمه امیررضا نوری زاده چاپ کرده می‌نویسد: «گاهی اوقات شکست هم می‌تواند به منزله پیروزی باشد و شکست فیلم کوهستان بروکبک در برابر فیلم تصادف نیز نمونه‌ای از این قضیه بود. گرچه فیلم کوهستان بروکبک جلد اکثر مجلات معتبر جهان را به خود اختصاص داد و فروش قابل قبولی نیز در گیشه داشت ولی به واسطه موضوع جنجالی آن، سبب ناراحتی برخی از افراد پرنفوذ هالیوود شده بود و به همین دلیل تعدادی از داوران آکادمی اسکار حتی رغبتی برای تماشای آن نداشته‌اند، چه برسد، ارائه نظر در مورد آن. امسال در میان خیل فیلمهای سیاسی که اسکار را احاطه کرده بودند، رأی داوران اسکار نیز همچون انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا تا حدی جهت دار بود و قربانی اصلی سیاسی شدن اسکار، فیلم کوهستان بروکبک بود. البته این به معنای زیرسؤال بردن ارزشها و اعتبار فیلم تصادف نیست و من اهمیتی به این که این فیلم برای تولید با چه مشکلاتی مواجه بود، نمی‌دهم.

دلیل اصلی کسب جایزه بهترین فیلم در اسکار امسال این است که ماهیت اصلی فیلم تصادف هالیوودی است و می‌تواند به تماشاگرانش حس رضایت‌مندی استاندارد هالیوودی را بدهد و آنها را به این تصور وادارد که فیلمی جذاب را تماشا کرده‌اند.

البته تصادف فیلم خوبی در مورد نژادپرستی است و شما پس از تماشای آن حس می‌کنید که انسان بهتری شده‌اید چون وظایف اخلاقی تان یادآور شده است. اما باید بپذیریم که هالیوود نیروی مهم در جهان به شمار می‌رود و هدف اصلی آن در صنعت سرگرمی کسب درآمدهای بیشتر است و همین مسأله باعث می‌شود تا فیلمهایی چون اینک بهشت و یا مستند کابوس داروین که چندان به مذاق علاقه‌مندان عادی سینما خوش نیامده، جایزه‌ای دریافت نکنند.»

آدرس سایت اسکار  
<http://www.oscars.org>

## برندگان هفتاد و هشتمین

## جشنواره اسکار

بهترین فیلم: تصادف (پل هگیس)  
بهترین کارگردان: آنگ لی (کوهستان بروک بک)  
بهترین بازیگر زن نقش اصلی: ریس ویترسون (سرت تو کار خود باشه، سربه راه باش)

بهترین بازیگر مرد نقش اصلی: فیلیپ سیمور هافمن (کاپوتی)  
بهترین بازیگر زن نقش مکمل: راشل ویز (باغبان وفادار)  
بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: جورج کلونی (سیربانا)

بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان: سوتسی (آفریقای جنوبی)  
بهترین انیمیشن بلند: والاس و گرومیت: نفرین خرگوش نما (نیک پارک و استیو باکس)  
بهترین فیلمنامه اقتباسی: کوهستان بروک بک

بهترین فیلمنامه اصلی و بهترین تدوین: تصادف  
بهترین مستند بلند: رژه پنگوئن‌ها  
بهترین فیلم مستند کوتاه: یادداشت پیروزی، عصر طلایی نورمن کوروین  
بهترین کارگردانی هنری: خاطرات یک گیشا

بهترین فیلمبرداری: خاطرات یک گیشا  
بهترین جلوه‌های ویژه: کینگ کنگ  
بهترین فیلم اکشن: شش تیرانداز  
بهترین فیلم کوتاه پویانمایی: ماه و پسر، یک گفت‌وگوی خیالی

بهترین گریم: وقایع نامهای نارینا، شیر، جادوگر و کمد  
بهترین طراحی لباس: خاطرات یک گیشا

بهترین موسیقی غیراقتباسی: به گاستاوو سانتائولا، سازنده‌ی موسیقی فیلم کوهستان بروک بک  
بهترین ترکیب صدا و بهترین صداگذاری: به فیلم کینگ کونگ

رمان جدید رضا قاسمی در ایران غیر قابل چاپ اعلام شد.



رضا قاسمی (ساکن فرانسه - متولد ۱۳۲۸ اصفهان)، بیش از یک سال است که رمان

جدیدش «وردی که بره‌ها می‌خوانند» را به ناشر سپرده، اما این کتاب مجوز نشر نگرفته است.

به گزارش روز جمعه ۱۲ اسفند ۱۳۸۴ ایسنا رضا قاسمی در این باره گفته است که: «سه‌ساله‌ی چاپ، دیگر برایش خیلی رغبت‌انگیز نیست. وی هم‌چنین اشاره می‌کند که برای چاپ کتاب در خارج از کشور، پیشنهادهایی داشته که اگر از چاپ در ایران ناامید شود، شاید آن‌را در خارج از ایران چاپ کند و البته یک علت بی‌رغبتی‌اش به چاپ کتاب یادشده را این عنوان می‌کند که ته دلش هنوز می‌خواهد روی آن کار کند و برای انتشارش عجله‌ای ندارد.»

«وردی که بره‌ها می‌خوانند» از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ به‌نگارش درآمده، که به‌گفته‌ی نویسنده، با فضای رمان قبلی او «هم‌نوایی شبانه‌ی ارکستر چوبها» فاصله دارد، جمع و جور و ساده است، در یک بیمارستان می‌گذرد و به فضای بعد از ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد.

داستان، جریان سیال ذهن دارد که در فضای زندگی امروز نویسنده می‌گذرد و بخشهایی در خاطرات، به ایران بازمی‌گردد.

نمایش‌نامه‌ای هم از رضا قاسمی با عنوان «ماهان کوشیار» برای چاپ به انتشارات نیلوفر سپرده شده که ناشر، هنوز آن را برای کسب مجوز نفرستاده است.

علاوه بر انتشار نمایش‌نامه‌های «حرکت با شماسست مرکوشیو» و «معمای ماهیار معمار»، چاپ ششم رمان «هم‌نوایی شبانه‌ی ارکستر چوبها» او نیز به‌تازگی توسط همین مؤسسه‌ی انتشاراتی عرضه شده است. این کتاب که اولین‌بار سال ۱۹۹۶ توسط نشر کتاب در آمریکا به‌چاپ رسید، به زبان فرانسه هم ترجمه شده و جایزه‌های بهترین رمان اول بنیاد گلشیری، بهترین رمان سال نویسندگان و منتقدان مطبوعات و تندیس ویژه‌ی رمان تحسین‌شده‌ی پکا را به‌خود اختصاص داده است.

البته چاپهای قبلی این کتاب در ایران، توسط مؤسسه‌های انتشاراتی آتیه، ورجاوند و اختران منتشر شده که حق تالیف چاپ چهارم و بخشی از حق تالیف چاپ پنجم هنوز به نویسنده داده نشده است.

وی هم‌چنین چندین کار منتشرنشده در ایران دارد که احتمال نمی‌دهد امکان انتشار داشته باشند.

به گزارش ایسنا، آثار منتشرشده‌ی رضا قاسمی عبارتند از: نمایش‌نامه‌های «تمثال» (نشر باران در سوئد / ۱۹۹۵)، «چو ضحاک شد بر جهان شه‌ریار» (کتاب نقطه در پاریس / ۱۹۹۸)، «ماهان کوشیار» (باران / ۱۹۹۴)، «معمای ماهیار معمار» (انتشارات خاوران در پاریس / ۱۳۷۱)، «حرکت با شماسست مرکوشیو» (سه نمایش‌نامه با نام‌های: نامه‌هایی بدون تاریخ از من به خانواده‌ام و بالعکس، حرکت با شماسست مرکوشیو و کسوف) (خاوران / ۱۳۷۱)، مجموعه‌ی شعر «لکنت» (خاوران / ۲۰۰۱) و رمانهای «چاه بابل» (باران / ۱۹۹۹) و «دیوانه و برج مونپارناس» (روی اینترنت / ۲۰۰۲)

کتابهای «حرکت با شماسست مرکوشیو»، «هم‌نوایی شبانه‌ی ارکستر چوبها»، تمثال و «معمای ماهیار معمار» او نیز به فرانسه ترجمه شده‌اند.

این نویسنده که تجربه‌ی کارگردانی تئاتر، نوازندگی و آهنگ‌سازی را هم دارد، رمان ناتمام «یک جنایت و سه خاکسپاری» نیز از دیگر نوشته‌اش است که معلوم نیست بخواهد آن‌را تمام کند یا نه.

ملیحه نظری، بازیگر سینما و تئاتر در گذشت.



ملیحه نظری، بازیگر پر سابقه سینما و تاتر صبح روز جمعه ۱۹ اسفند ۱۳۸۴ به علت عارضه مغزی در منزلش، درگذشت.

ملیحه نظری که آخرین فعالیت هنری‌اش بازی در فیلم «خانه‌ای روی آب» به کارگردانی «بهمن فرمان‌آرا» بود در سال ۱۳۱۰ در تهران متولد شد و فعالیتش را از سال ۱۳۴۱ با بازی در نمایش دربار سلطان عبدالحمید آغاز کرد و در ادامه در تئاترهای نصر و پارس در نمایشهایی چون دایه و اینا، دختر کم راه، سه فتجان چای و اشباح حضور پیدا کرد.

وی در سال ۱۳۵۶ با فیلم در امتداد شب وارد سینما شد و با حضور در بیش از ۳۰ فیلم به بازیگری خود ادامه داد.

به گزارش ایسنا فیلمهای کلاغ، سایه‌های بلند باد، مادبان، توهم، آن سوی مه، روزهای انتظار، کانی مانگاه، دوران سربی، آخرین پرواز، مرگ پلنگ، آواز تهران، جای امن، مردم آفتابی، شاخ گاو، مادرم گیسو، درخت گلابی و بوی کافور، عطر یاس از جمله آثاری هستند که ملیحه نظری در آنها به ایفای نقش پرداخته است.

علی تجویدی، چهره ماندگار موسیقی ایرانی درگذشت



سی‌ابوالحسن نجوا، کارشناس موسیقی تجویدی، استاد و آهنگساز و نوازنده نامی ویلن که چند سالی به دلیل بیماری در منزل بستری بود، بامداد چهارشنبه ۲۴ اسفند در سن ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.

همسر آقای تجویدی علت مرگ وی را شدت و طولانی شدن بیماری عنوان کرده و گفته که قرار است روز شنبه ۲۷ اسفند پیکر وی از مقابل تالار وحدت تشییع شود.

علی تجویدی از جمله چهره‌های ثابت برنامه پرترفدار گلها بود که سالها برنامه اصلی موسیقی سنتی در رادیو ایران به شمار می‌رفت و کشف و معرفی هنرمندانی چون حمیرا، هایده و برخی از نوازندگان نامی موسیقی ایرانی از جمله دستاوردهای اوست.

او در آهنگسازی و تصنیف سرایی دستی چیره داشت و بسیاری وی را همدریف ابوالحسن صبا و علی اکبر شیدا و عارف قزوینی ارزیابی کرده‌اند. تصانیف و ترانه‌های علی تجویدی حاصل همکاری وی با شاعران و ترانه‌سرایانی چون رهی معیری، معینی کرمانشاهی، نواب صفا، بیژن ترقی است که از جمله آنها می‌توان به دیدی که رسوا شد دلم، آتش کاروان، سفرکرده، مرا عاشق شیده‌می‌گذرم، آشفته حالی، صبرم عطا کن، آزاده و یاد کودکی اشاره کرد.

برخی از کارهای جاودانه علی تجویدی با خوانندگی دلکش صورت گرفته است.

او در سالهای اخیر بسیار کم کارشده بود؛ کاری مشترک با علی اصغر شاه زیدی و نیز تصنیفی که با صدای محمدرضا شجریان به مناسبت آغاز به کار ارکستر ملی اجرا شد از جمله فعالیت‌های اخیرش بود.

اخیراً نیز خبری منتشر شده بود که چهار اثر از آخرین ساخته‌های با کلام او شامل یک نگه کرد و گذشت، مراعاشقی شیده، بی هم زبان و تو بودی برای ارکستر تنظیم شده و قرار است در قالب آلبوم و به خوانندگی علیرضا فریدون پور منتشر شود.

علی تجویدی از جمله هنرمندانی بود که در سالهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب ایران، بنا به گفته خودش سازش را شکستند و دو دهه و نیم بعد در مراسمی از وی به عنوان چهره ماندگار موسیقی تجلیل به عمل آوردند.

علی تجویدی پانزدهم آبان ۱۳۹۸ خورشیدی متولد شد و مقدمات

موسیقی را نزد پدرش که از شاگردان کمال الملک، نقاش مشهور آن دوران بود و برادرش هادی تجویدی آموخت و در نوجوانی نواختن فلوت و نت موسیقی را نزد ظهیرالدینی آموخت.

چنانکه خود در جایی نقل کرده است: «از دوازده سالگی دستگاه‌های [موسیقی] ایرانی را می‌شناختم، مرحوم ابوالحسن صبا چون نزد پدرم نقاشی کار می‌کرد به منزل ما رفت و آمد داشت و از همان موقع با ایشان آشنا شدم، اولین سازی که آموختم تار بود ضمناً موقعی که در دبیرستان تحصیل می‌کردم به گروه پیشاهنگی وارد شدم و فلوت آموختم و با نت آشنایی پیدا کردم.»

علی تجویدی در شانزده سالگی به درس حسین یاحقی استاد نامی کامپچه و ویلن رفت و پس از شش ماه نزد وی به آموختن ویلن مشغول شد و سپس به درس ابوالحسن صبا رفت و هشت سال نزد وی به فراگرفتن موسیقی و نوازندگی ویولن پرداخت.

آن چنان که علی تجویدی نقل می‌کند سه تار و ضرب را نیز نزد ابوالحسن صبا فراگرفت و در مدتی کوتاه به عنوان یکی از شاگردان مورد علاقه او شناخته شد.

او مدتی بعد به توصیه ابوالحسن صبا و برای پیشرفت در نوازندگی و تکنیک‌های ویولن نوازی سه سال نزد یکی از استادان ویلن نواز خارجی آموزش می‌بیند و همزمان از سوی یکی از دوستانش با حاج آقا محمد ایرانی و رکن الدین خان مختاری و سایر موسیقیدانان ایرانی از جمله نورعلی خان برومند، طاهر زاده و اسماعیل قهرمانی آشنا می‌شود.

این آشنایی، تجویدی جوان را درمسیری تازه می‌اندازد و اشتیافش را برای کار روی موسیقی ایرانی بیشتر می‌کند.

علی تجویدی دستگاه‌های کامل ایرانی و تصنیف‌های علی اکبر شیدا را نزد این گروه از موسیقیدانان و نوازندگان ایرانی می‌آموزد و به توصیه رکن الدین خان مختاری به آهنگسازی دست می‌یازد و برای آشنایی بیشتر با این فن و همچنین ارکستراسیون (سازبندی) و هارمونی مدتی در کنسرواتوارهای موسیقی آموزش می‌بیند.

علی تجویدی مدتی نزد ملیک آبراهیمیان و بابگن تامبرازیان به آموختن موسیقی غربی پرداخت و پس از آن سالها به مطالعه در زمینه هارمونی، ارکستراسیون و آهنگسازی نزد هوشنگ استوار پرداخت و بسیاری از ساخته‌هایش از قبیل آزاده ام، پشیمانم، صبرم عطا کن و غیره را خود برای ارکستر بزرگ تنظیم و اجرا کرد.



## عباس شاپوری آهنگساز

## قدیمی درگذشت

فروغ بهمن پور: شرق شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۲: عباس شاپوری برای علاقه مندان ترانه و تصنیف دهه های آغازین رادیو ایران نامی آشنا بود. این آهنگساز و نوازنده ویولن سال ۱۳۰۲ در خیابان صفی علی شاه تهران به دنیا آمد. پدرش از دوستداران موسیقی ایران بود و منزلش محل رفت و آمد بزرگانی چون ابوالحسن صبا، کلنل وزیری، مرتضی محجوبی و... بود. ذوق هنری شاپوری خرد سال در چنین محفلی بارور شد به گونه ای که آموختن موسیقی را نزد استادانی چون اسماعیل زرین فر، حسین یاحقی، حسین هنگ آفرین و ابوالحسن صبا کرد. همدوره های او در این زمان هنرمندانی چون علی تجریدی، حبیب الله بدیعی، محمد بهار لو و... بودند. «آه دل» اولین تصنیفی بود که با صدای استاد قوامی بر روی شش از مهدی سهیلی ساخته شد این هنرمند از سال ۱۳۲۱ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز کرد و از آن سال به بعد آهنگ های زیادی برای خوانندگان مطرح آن روزگار همچون روح بخش، ناصر مسعودی، حسین قوامی و همسرش زنده یاد بانو پوران شاپوری ساخت که از جمله آنها می توان بر تک درخت، نیلوفر، شانه، راز اشک، خطا رفته و ده ها قطعه دیگر اشاره کرد. زنده یاد عباس شاپوری در سال های همکاری اش با رادیو مسئولیت هایی در برنامه های مختلف رادیو از جمله گل ها به عهده داشت. همچنین رهبری ارکستر شماره ۴ رادیو را تا سال ها عهده دار بود. شاپوری سال های بعد از انقلاب به ساختن ساز ویولن مشغول بود. این هنرمند فقید پس از سال ها انزوا و گوشه نشینی بعد از ظهر پنجشنبه پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت. قرار است پیکر این هنرمند فقید با حضور هنرمندانی چون انوشیروان روحانی و... شنبه ساعت ۹ صبح در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شود.

## درگذشت آبیور کاتلر

«آبیور کاتلر»، شاعر و آهنگساز که «جان پیل» و «بیتلها» از جمله طرفداران وی هستند در سن ۸۳ سالگی درگذشت. «کاتلر»، اشعار و ترانه های سورئالیستی سروده که تا سال ۲۰۰۴ به اجرای زنده آنها می پرداخت، او همچنین نویسنده

است و مجموعه های تلویزیونی نیز ساخته است.

او اغلب در برنامه های رادیویی پیل حضور می یافت و بیتلها نیز در فیلم «تور جادویی» نقشی به او دادند.

به گزارش روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ ایلنا البوم «لودو» کاتلر که سال ۱۹۶۷ منتشر شد و تهیه کننده اش «جورج مارتین» بود، سال ۱۹۹۷ توسط «کریسین» و بعد هم «اوسیس» دوباره منتشر شد. او در خانواده ای متوسط در گلاسگو متولد شد و پس از خدمت در جنگ جهانی دوم معلم شد، پس از آن به لندن رفت و تدریس را ادامه داد و همچنان فعالیت های هنری اش را ادامه داد تا این که سال ۱۹۸۰ از این عرصه کناره گرفت.

## تصویب قانون جدید

## مطبوعات کویت

پارلمان کویت قانون جدید مطبوعات و نشر با هدف افزایش آزادی جریان اطلاع رسانی را تصویب کرد. روز سه شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۴ ایلنا به نقل از روزنامه «البیان»، چاپ امارات متحده عربی گزارش داد که: «پاراساس این قانون پس از ۴۵ سال امکان انتشار روزنامه های جدید فراهم می شود. همچنین بر اساس قانون جدید، حبس و بازداشت روزنامه نگاران پیش از صدور حکم نهایی آنان ممنوع است.» تصویب این قانون باعث تقسیم بندی رسانه های مختلف کویت شده است چرا که برخی از رسانه ها آن را تهدید برای خود می شمارند. این قانون که به قانون «انس» مشهور شده است، توسط «انس الرشید» وزیر اطلاع رسانی کویت تدوین شده است و توانست رأی موافق تمامی ۵۳ نماینده حاضر در پارلمان را جلب کند. الرشید پس از تصویب قانون مطبوعات در گفت و گو با خبرنگاران آن را پیروزی و پیشرفت بزرگی دانست که می تواند در افزایش آزادی های مطبوعات نقش ایفا کند. این قانون تا پیش از تایید کابینه کویت، قابل اجرا نخواهد بود.

قانون جدید مطبوعات کویت مجازات زندان برای روزنامه نگاران را تنها در حالتی مجاز می داند که به ذات الهی، انبیاء، صحابه پیامبر، اهل بیت، همسران پیامبر یا اصول و عقاید اسلامی توهین شود

## بوی کباب در مشام

## "مُشارکت"

منصور امان همزمان با اعلام موافقت حکومت اسلامی برای مذاکره با آمریکا در عراق، باند "اصلاح طلب" جمهوری اسلامی نیز به سکوت طولانی مدت خویش پیرامون مهم ترین بحران "نظام" در دهه اخیر یعنی، پرونده هسته ای خاتمه داد. "اصلاح طلبان" که پیش از تحول مزبور، با خودداری از جبهه سایی در برابر سیاست های مناقشه برانگیز باند رقیب در عمل آن را همراهی می کردند، اکنون به گونه فاعلتری به پشتیبانی از باند ولایت برخاسته اند.

جبهه مُشارکت اسلامی در بیانیه خود پیرامون تحولات هسته ای، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت پدید آمده، خواهان حل بحران از طریق گفتگو "با همه کشورهای صاحب نفوذ در شُورای امنیت و به خصوص آمریکا" شده است. خواسته ای که دست کم در مورد یکی از مهم ترین موارد مورد اختلاف جمهوری اسلامی و آمریکا (مساله عراق) برآورده شده است و باند نظامی - امنیتی با علاقمندی آن را به عنوان سندی در پشتیبانی از سیاست خود به ثبت می رساند. علت جلو افتادن حکومت از فراخوان اپوزوسیون "خودی" را می توان در نقش مشاطه گرانه ای که "اصلاح طلبان" برای "نظام" ایفا می کنند، جستجو کرد. جبهه مُشارکت اسلامی که به نظر می رسد پس از دعوت به "انسجام ملی" از سوی ولی فقیه، تارهای عصب مُشارکت در قدرت اش تحریک شده باشد، شانه زیر گاری به گل نشسته "نظام" داده است تا هزینه های عقب نشینی را برای باند رقیب تحمل پذیرتر کند. جبهه مُشارکت اسلامی در این راستا اطمینان داده است: "هر ایرانی آماده است برای نجات کشور، دلخوریها و گلاویه های موجود را به کنار بگذارد و در کنار مسوولین خود، مسوولیت و هزینه اصلاح سیاست های اشتباه دولت خود را بپردازد."

با سکوت یا توسط بیانیه، "اصلاح طلبان" مکان خود را زیر خیمه ی "نظام" و در کنار دکوراسیون هسته ای، چتر بحران و چرک فلاکت می دانند. بوی کباب "انسجام ملی"، شوق آنان برای بازگشت یا پرسه زنی در اطراف بهشت قدرت و ثروت را تا مرز بی طاقتی لبریز کرده است. ۲۹ اسفند ۸۴

## بر تارک تاریخ

بقیه از صفحه ۱۸

نمی توانستند و یا نمی خواستند بپذیرند که زنی شجاع و دلاور آن چنان آنان را به وحشت انداخته است که حتی جرأت نزدیک شدن به او را نداشتند و از راه دور او را به گلوله بسته و سوراخ سوراخ می کنند. آدمکشان مزدور از ترسشان جسد این چریک فدایی را نیز طناب پیچ می کنند تا از وحشت مأموران خود اندکی بکاهند. همان طور در زمانی که

مرضیه در بین دانشجویان بود و رهبری اعتصاب آنها را به عهده داشت نیز جرأت نزدیک شدن به او و دستگیری اش را نداشتند.

هرچند زندگی کوتاه و سراسر درس مرضیه احمدی اسکویی در ساعت ۱۰ صبح ۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۳ در رویارویی قهرمانانه با دشمن مردم به پایان رسید، اما درس شهامت و پایداری و اتکا به هویت و قدرت خود را برای رهروان بعدی به یادگار گذاشت. مرضیه احمدی اسکویی «مرجان» نماینده و تیبیک زبانی است که با تأکید به هویت زنانه خویش پای به میدان گذاشتند تا فرهنگ مسلط مردسالاری را که از آنان ضعیف و جنس لطیف و مادر بجهه ساخته بود را به زیر کشند و با تأکید مشدد به پاسداران فرهنگ مسلط مردسالار که ذلت را تئوریزه می کردند و می کنند، حالی کنند که این نسل از جنسی دیگر است. جنسی که جنسیت را به پیشیزی ارزش نمی نهند و بر انسانیت خویش اتکا دارند و حق تساوی و برابری را حتی در میدان مبارزه و رشادت و دلاوری نیز درخواست می کنند.

و هنوز در میهن من شب پرستان هر شب ستاره یی را به زیر می کشند، اما آسمانش غرق ستاره است. با غروب هر ستاره یی صدها ستاره دیگر طلوع می کند و خیل عاشقان جستجوگر را امیدوار می دارد و رازدارشان است. بر می خیزند سرو قامتانی، دلیر و استوار. با صدها ستاره در دلهاشان، چراغ امید در برابر، پای در راه می نهند تا مشعل آزادی را فرزان نگاه دارند. بی دلیل نیست که شبهای میهن من نماد استبداد و تباهی نیست. هنوز در دل شبها حس قدمهای شب نوردان، صدای پای امید را به ذهنها متبادر می کند و نگاههایی در دل تاریکی عطر حضورشان را با مشام جان، استشمام می کند.

در پی دلبران و گردانی از گردآفرید تا مرضیه احمدی اسکویی و از او تا اکنون تمام روزها و شبان میهن من آغشته عطر حضور زبانی است که تنها یاد و نامشان آزادی را معنا می کند و تکرار نامشان دلهای شب شکنان را گرما می بخشد. تنها تکلم نام و گذر یادشان کافی است که تا جرقه یی بسازد بر انبار پر از باروت خشم مردمی که در حسرت از دست دادنشان غریو خروش بنیان کن را برای برکندن بساط جور و ظلم از دل برکشند.

در موقع نوشتن این مطلب منابع زیر را در پیش چشم داشتم:

- ۱- نبرد خلق «ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران» شماره سوم خرداد ۱۳۵۳
- ۲- خاطرات یک رفیق «مرضیه احمدی اسکویی»، انتشارات نگاه
- ۳- داد بی داد، ویدا حاجی
- ۴- بذره های ماندگار، اشرف دهقان

## بر تارک تاریخ

بقیه از صفحه ۱۹

سالها کاری بی سابقه بود. از اعتماد و محبوبیتی ویژه در بین دانشجویان برخوردار بود و برایش احترام فوق العاده‌ای قائل بودند. او از رهبران و سازماندهندگان اعتصاب غذای دانشجویان در اسفند ۱۳۴۹ در دانشسرای عالی سپاه دانش بود. اعتصاب غذایی که برای آزادی دو دانشجوی دستگیر شده انجام شد و در پایان به آزادی آنها منجر شد. زمانی که او برای مذاکره در دفتر ریاست دانشگاه حضور داشت. خبر به بیرون می‌رسد که مرجان را ساواک دستگیر کرده است. این خبر برای بعضی از دوستانش آن‌چنان توهین‌آمیز بود که به سرعت ساختمانی که او در آن است را محاصره می‌کنند و می‌گویند که به هیچ وجه و بدون خونریزی اجازه دستگیری نماینده‌شان را نخواهند داد. یکی از دانشجویان دختر به گمان این که ماشینی که در حال خارج شدن از دانشگاه است، دارد مرجان را مخفیانه منتقل می‌کند. خود را به زیر چرخهای ماشین پرتاب می‌کند که تنها شانس باعث می‌شود که او از این حادثه سالم خارج شود. خودش در یادداشتی شرح مختصری از این اعتصاب می‌دهد. «صدیقه» یکی از رفقای زمان دانشجویی و همزمش می‌گوید: «روزی بیرجندی (رئیس دانشسرا) در حضور من به مرضیه قول داد که، اگر دست از مخالفت برداری، تو رو نماینده مجلس می‌کنم». اما او نه به تهدیدات و نه به تلمیح‌های آنها وقعی نمی‌گذاشت و دائم و پیگیر در تلاش و تقلا بود. اعتبار مرجان در بین دانشجویان تا بدان‌جا بود که ساواک هرگز جرأت نکرد تا زمانی که او در دانشسرا بود، دستگیرش کند. تا این که همان‌طور که خودش می‌نویسد. «من دوره چهار ساله تحصیلی دانشسرا را تمام کرده‌ام. مدرسه ما در سی کیلومتری تهران قرارداد، از این‌رو بسیار خلوت است. تمام دانشجویان سالهای اول تا سوم رفته‌اند و همکلاسیهای ما را به بهانه این که می‌خواهیم محل خدمتان را تعیین کنیم، تا فردای آخرین امتحان سال سومها نگه داشته‌اند. به خوبی می‌توان احساس کرد که این نقشه حساب شده و مسخره بیش نیست.» و این‌گونه ساواک وقتی همه دانشجویان می‌روند او را دستگیر می‌کند و به زندان قزل قلعه می‌برد. در آن‌جا پس از بازجویی به دلیل خونسردی و تسلط مرجان دلیل و مدرکی علیه او پیدا نمی‌کنند و آزادش می‌کنند. لحظه آزادی را خودش این‌گونه توصیف

می‌کند: «سربازی که زنجیر دروازه‌ها را به رویم باز کرد گفت: -میدوارم که دیگر این‌جا برنگردی. به او لبخند زدم و گفتم: به امید دیداری بهتر رفیق سرباز، اما نه این‌جا. صدای خشک زنجیر را شنیدم که پشت سرم بسته شد. آزادی؟ نه گویی پیکرم همان‌جا پشت زنجیر درون سلولها، در کنار یارانم در بند مانده بود. آزادانه راه رفتن، نفس کشیدن، به‌دلم نمی‌چسبید». پس از دانشسرای عالی او را به اسکو می‌فرستند. اما مرجان به‌هوای فضایی بزرگتر در آن‌جا دوام نمی‌آورد و بار دیگر به بهانه ادامه تحصیل برای فوق لیسانس دانشسرای عالی، معلمی را رها می‌کند و به تهران باز می‌گردد. در این زمان با همکاری تعدادی از رفقایش مصطفی شجاعیان، نادر شایگان، حسن رومینا، نادر عطایی و... گروهی زیر زمینی را بنیاد می‌نهند و به تدارک مبارزه مسلحانه می‌پردازند. اما در سال ۵۲ تشکیلات آنها لو رفته و تعدادی از رفقایش کشته و عده‌بی هم دستگیر می‌شوند. از این پس مرجان «مرضیه احمدی اسکویی» به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می‌پیوندد و به‌صورت حرفه‌ای فعالیت خود را آغاز می‌کند. نبرد خلق شماره سوم که در تاریخ خرداد ۱۳۵۳ منتشر شده است. خصوصیات فردی مرجان را این‌گونه بر می‌شمرد: «عشق عمیق به خلق و کینه بی‌پایانش به دشمن از رفیق انسانی خشن و در عین حال بسیار صمیمی ساخته بود، و دقیقاً به‌خاطر تعهدی که با تمام وجود احساس می‌کرد و ایمان بزرگی که برای مبارزه و پیروزی خلق داشت، لحظه‌ی آرام نمی‌گرفت. تحرک، روحیه متعزضانه و سرسختی‌اش در برخورد با مشکلات جنبش از بارزترین خصلتهای رفیق بود. سکون برای او مفهومی نداشت، از کوچکترین فرصت برای انجام کاری استفاده می‌کرد». رزمنده دلیر خلق، شاعر توانا و سازماندهی اعتماد آفرین سرانجام در روز ششم اردیبهشت‌ماه سال ۵۳ به رود همیشه جاری شهدای خلق پیوست و تومار رهایی را با خون خویش آدین بست. ماجرای به‌استقبال خطر رفتن او این‌گونه بود که: شیرین معاضد برای اجرای قراری از پایگاه خارج می‌شود. رفقایش که به‌موج بیسیم ساواک دست پیدا کرده‌بودند به‌ناگهان متوجه می‌شوند که ساواکیها در حال تجمع در محلی هستند که شیرین در آن‌جا قرار دارد. بخشی از اتفاق را اشرف دهقانی این‌گونه نقل می‌کند: «ما هم‌چنان با دقت و نگرانی گفتگوهای بیسیم را دنبال می‌کردیم. هنوز مدت کوتاهی از رفتن شیرین نگذشته بود که ناگهان رفیق حمید «اشرف» واقعاً گویی که برق او را گرفت. از جا پرید و گفت: این قرار پریه «شیرین را به این اسم صدا

می‌زدیم - پری» و با عجله به طرف درب خروجی رفت. من که متوجه بودم که او از شدت ناراحتی آن‌چنان از جا برخاسته بود و رفتن او نمی‌تواند حاصل یک تصمیم درست باشد، به‌طرف درب خروجی دویدم و شانه‌های حمید را گرفته و او را برگرداندم. حمید واقعاً شوکه شده بود. شدت ناراحتی‌اش به‌گونه‌ی بود که اصلاً نمی‌دانست چکار دارد می‌کند. از همین‌رو نیز بدون مقاومت برگشت. در این هنگام دیدم که مرضیه چادری از بند حیاط برداشت و در حالی که دارد آن‌را سر می‌کند، از درب خروجی بیرون رفت. من شانه‌های حمید را رها کردم و خواستم به‌دنبال مرضیه بدم که ببینم به‌کجا می‌رود. فقط چون پابره‌نه بودم، یک لحظه سعی کردم دمپایی پایم کنم. اما وقتی رویم را برگرداندم به واقع تانیه‌ی نگذشته بود. حمید هم رفته بود». پس از این ماجرا خود اشرف هم از پایگاه بیرون می‌زند و برای حمایت رفقایش می‌رود. یک‌بار دیگر تصمیم‌گیری سریع و سرعت عمل و عشق به رفیق و هم‌زم مرجان همه را غافلگیر می‌کند و برای بیرون بردن پری از تور ساواک تانیه را از دست نمی‌دهد. اما شرح ادامه این دل‌آوری را نبرد خلق شماره سه خرداد ماه همان سال این‌گونه توضیح می‌دهد: مأمورین دشمن از یک هفته قبل یکی از عناصر تازه‌کار و سمپاتیان سازمان را در شهر تبریز دستگیر می‌سازند و موفق می‌شوند قرار ملاقاتی را از عنصر دستگیر شده به‌دست آورند. در روز جمعه عازمیهشت که این ملاقات می‌بایست صورت بگیرد پلیس اطراف محل قرار را تا مسافت چند کیلومتر به محاصره درمی‌آورد. رفیق شیرین معاضد که می‌بایست این قرار را اجرا می‌کرد به‌منظور کنترل محل وارد منطقه می‌شود. چند دقیقه بعد رفیق مرضیه احمدی اسکویی از طریق ضبط امواج بیسیم دشمن متوجه خطر می‌شود و بدون توجه به محاصره منطقه و خطری که وی را تهدید می‌کرد خود را به منطقه محاصره شده می‌رساند تا رفیق معاضد را در جریان امر قرار دهد. رفیق مرضیه احمدی اسکویی در نزدیکی محل قرار رفیق معاضد را پیدا می‌کند، ولی مأمورین متوجه آنها شده و به‌طور غیرمحسوس به‌تعقیب آنها می‌پردازند ولی رفقا به‌رغم پوشش ویژه نیروهای مخصوص تعقیب، متوجه موضوع شده و سعی می‌کنند با عوض کردن تاکسی از تعقیب دشمن خلاصی پیدا کنند. پس از چند مانور خود را به میدان فوزیه می‌رسانند و تصمیم می‌گیرند از هم جدا شوند. مأمورین دشمن که به‌طور بی‌سابقه‌ی بسیج شده بودند مجدداً در میدان فوزیه رفقا را پیدا می‌کنند و با استفاده از ازدحام میدان غافلگیرانه به رفیق معاضد حمله کرده و وی را

دستگیر می‌سازند. در این موقع رفیق موفق می‌شود با خوردن قرص سیانور که همیشه در زیر زبان داشت اقدام به خودکشی کند. دشمن بلافاصله وی را به بیمارستان شهربانی منتقل می‌سازد و به‌منظور مالجه و سپس شکنجه وی با تمام امکانات و کمک پزشکان مزدور اسرائیلی به‌مداوای او می‌پردازند اینک رفیق معاضد تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های دشمن قرار دارد. رفیق مرضیه احمدی پس از جدا شدن از رفیق معاضد تحت تعقیب مأمورین دشمن قرار می‌گیرد و پس از چند عمل ضدتعقیب سعی می‌کند خود را به خانه تیمی واقع در کوچه شترداران در میدان شاه تهران برساند. ولی مأمورین با استفاده از تجهیزات مخابراتی رد وی را به یکدیگر و به مرکز اطلاع می‌دادند. و بدین ترتیب منطقه تحت محاصره دشمن درآمده بود. با این حال مزدوران نمی‌توانستند ترس خود را از نزدیک شدن به رفیق بیوشانند. مرتباً از پشت بی‌سیم فریاد می‌زدند «او مردیست که لباس زنانه پوشیده». حلقه محاصره رفته رفته تنگتر می‌شد، در این هنگام مرضیه چون دید که امکان خروج از محاصره برای او دیگر وجود ندارد، ابتکار عمل را در دست گرفت و با اسلحه کمربندی خود شجاعانه به مزدوران حمله کرد و پس از یک درگیری نابرابر، دشمن در حالی که امید زنده دستگیر کردن او را کاملاً از دست داده بود، رفیق را به مسلسل بست، در این موقع رفیق مرضیه احمدی موفق شد قرص سیانور خود را نیز بخورد. جسد رفیق احمدی را نیروهای دشمن از فاصله دور چندین بار به مسلسل بستند و سپس وحشتزده و به‌آهستگی به‌این چریک قهرمان نزدیک شده جسد بی‌جان او را طناب پیچ کرده و می‌برند». «صدیقه» می‌نویسد در خرداد ۵۳ دادگاه دوم خبر کشته‌شدن مرضیه را از دادستان شنیدم. چنان منقلب شده‌بودم که بی‌اختیار فریادی از گلویم برخاست. اما به‌محض این که به کمیته مشترک ساواک شهربانی رسیدم، مرا به‌بازجویی بردند. بازجویی، هدایت، تا مرا دید عکس جسد مرضیه و شیرین معاضد را پرت کرد توی صورتهم، هردو، نیمه لخت بودند. هردو دهانشان سیاه و چهره زیباشان دگرگون شده بود. سیانور دهانشان را سوزانده بود. چادر و کفشها و اسلحه‌شان در کنارشان بود». ساواک و دستگاه تبلیغاتی رژیم شاهنشاهی سعی کردند تا هویت این رزمنده خلق را مخدوش کنند و در تبلیغاتشان بر روی این موضوع مانور دادند که چریک مبارز خلق مردی بود که لباس زنانه پوشیده بوده است. فرهنگ مردسالار حاکمان مزدور و مستبد آنان را چنان مغرور کرده بود که

بقیه در صفحه ۱۷

نوجوانی دست به قلم برد و از رنجی که در کنارش بود می‌نوشت. شوق او به مطالعه و تلاشش برای بدست آوردن کتاب دوستان زیادی از بین کتابخوانان برایش به همراه آورد. شعرها و داستانهایش آن قدر صمیمی بودند و خودش چندان دوست داشتی که اطرافیان او را «مرجان» نامیدند، یعنی مرضیه جان را کوتاه کردند و او را با هویتی که بین آنها داشت، صدا کردند. مرضیه از همان دبیرستان میانبر زد و وارد دانشسرای تربیت معلم شد و به شوق در آمیختن با رنج مردم روستاها بار سفر بست و از این ده به دهی دیگر روانه شد. شغلش معلمی، پیشه‌اش آگاهی‌دهنده و هدفش انقلاب.

سه سالی معلم دبستانهای اسکو بود. در آن سالها محفلی که در تبریز توسط صمد بهرنگی و رفقاییش اداره می‌شد. بهای زیادی به معلمی می‌دادند و برای آگاه کردن مردم، این پیشه را برگزیده بودند. اسم و رسمی هم داشتند و سرشناس بودند. از بین آنها کسان بسیاری اکنون با نام شناخته شده‌اند. همه دست به قلم و نویسنده و شاعر، و روایتگران رنج مردم روستاهای آذربایجان که حکومت وقت ارزشی برایشان قایل نبود. از خود صمد گذشته که حکایت زندگانش نمونه کامل یک انسان انقلابی و شریف است، اختای «علیرضا نابدل» و بهروز دهقانی و کاظم سعادت و مناف فلکی و غلامحسین ساعدی و ... را همه بیش و کم از آنها شنیده‌اید. اما مرضیه احمدی اسکویی چیز دیگری است. او انسانی خستگناپذیر، سازمان‌دهنده‌ی توانا، رفیقی خوش مشرب با ارتباطاتی گسترده، شاعری خوش قریحه و نویسنده‌ی چیره‌دست و محقق زندگی مردم زحمتکش است. همزمان با معلمی تلاش بسیاری کرد تا به دانشگاه تبریز راه پیدا کند. اما همزمانی کار و درس وقتی برای او باقی نمی‌گذاشت تا به‌علاقه‌مندیهایش بپردازد. به همین دلیل دانشگاه تبریز را رها کرد و وارد دانشسرای عالی سپاه دانش شد. به تهران آمد و میدان بزرگتری برای کارهایش یافت. آن طوری که از یادداشتهایش بر می‌آید در این سالها رفیق کارگران کوره‌پزخانه‌های خاتون‌آباد است. گفتگوهای زیادی با خانواده‌های آنان انجام داده و به جرأت می‌توان گفت که کارهای او از نوادر تحقیقاتی است که درباره فقر و شرایط رقتبار زندگی کارگران کوره پزخانه‌ها انجام شده‌است.

همزمان به روستاهای ورامین و شهرهای اطراف سفرهای زیادی کرد و کتابخانه‌های زیادی برای بچه‌های روستاها ساخت. بیشتر ارتباطاتش را در روستا سپاهیان دانش سر و سامان می‌دادند و به کمک آنان کارهایش را پیش می‌برد. و از بین همین جوانان سپاه دانش بسیاری را به مسائل سیاسی آگاه کرد و به آنان یاد داد تا چگونه به اطراف خود نگاه کنند و در رنج مردم ستم دیده روستا شریک باشند.

به شهادت همه کسانی که مرجان «مرضیه احمدی اسکویی» را می‌شناسند و یا او را دیده‌اند. مرجان زنی بود آراسته با کت و دامنی شیک و با گیسوانی بلند و بافته که به او وجاهت و زیبایی خاصی می‌داد. دست و دل‌باز و صمیمی بود و هر آن چه را که به دست می‌آورد با رفقاییش شریک بود. تئاتر و فیلم و کتاب را خوب می‌شناخت و دایم به دنبال بهترین‌ها همه محافل روشنفکری را از زیر پا در می‌کرد. همزمان برای دوستان روشنفکر و آگاهی‌جست سخنانی ترتیب می‌داد و رفقا و دانشجویان را به این جلسات می‌کشاند تا پیوند بیشتری بین آنان برقرار کند. به عنوان حلقه اتصال بخشی از روابط این کسان عمل می‌کرد و خستگی‌ناپذیر تمام همت و توانش را در این راه به کار می‌گرفت. در سالهای دانشسرای عالی او نماینده دانشجویان بود. ابتدا نماینده دانشجویان دختر و سپس به دلیل توانمندیهایش همه دانشجویان او را بهترین کسی که می‌تواند بار نمایندگی آنها را به‌دوش کشد تشخیص دادند و با رأی علنی او را به نمایندگی خود برگزیدند که در آن

بقیه در صفحه ۱۸

## بر تارک تاریخ

بقیه از صفحه ۲۰ منتقل شدند. تازه آن‌جا فرماندهان دریافتند که کسانی از مجاهدان مدافع شهر زانی هستند که لباس مردانه پوشیده در خط اول مشغول دفاعند. این حماسه را پایانی نیست؛ زیرا سالها بعد در ۲۸ مرداد سال ۳۲ وقتی کودتایی آمریکایی - انگلیسی، دولت ملی محمد مصدق را با همکاری رجالگان و اوباشان سرنگون و باردیگر استبداد را حاکم کرد. مدعیان ریایی مدافع حقوق مردم، سر خویش گرفتند و تا وقتی دیگر که شرایط برایشان آماده شود، راهی یاز و دیاری دیگر شدند. و یا آن‌چنان به کناره رفتند که بی‌عملی‌شان پهلوان پنبه‌های مزدبگیر بیگانه را قهرمانان بی‌همتا ساخت. اما میانه و میدان مبارزه خالی از دلیران و گردآفرینان نماند. تا نامردمان با خیالی راحت هر آن چه را که اربابانشان می‌خواستند، هم‌آن کنند. کرکسان بر نطع مردم بر آمده تازه در خوش خیالی پوچ خود، غره از آرامش گورستانی شاهشان و اربابان غارتگرش بودند که پژواک پیایی برخاسته از رگیار مسلسل رزمنده‌های به‌میدان درآمده خواب را در چشمانشان شکست.

در میانه میدان بار دیگر زنی از خطه آذربایجان که شعرش سرودش و سرودش پرچمش با صدایی رسا بانگ برداشت که:

من یک زنم،

زنی که مرادف مفهومش،

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما

وجود ندارد.

زنی که در سینه اش دلی،

آکنده از زخمهای چرکین

خشم است.

زنی که در چشمانش،

انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی

موج می‌زند.

زنی که دستانش را کار،

برای گرفتن سلاح پرورده است.\*

دیوار شیشه‌یی سکوت ترک برداشت و دادخواهانی که از جنس دیگر بودند پای به‌میدان نهادند. اینان دیگر برای پنهان کردن هویت خویش مجبور به پوشیدن لباس مردانه نبودند تا آن‌گونه اجازه حضور داشته باشند. بلکه بلند و رسا بر بام بلندترین و وسیعترین میدان هم‌اورد پای نهاده، سرکش و استوار فریاد برداشتند که «من یک زنم». تا ناکسان و دیوان تباهی بدانند که این‌بار مبارزه تا آخرین نقطه جریان خواهد یافت و تا بر افراشتن پرچم رهایی و آزادی فریادیان از پای نخواهند نشست. و گفتند اینک این ما و این شما و این میدان نبرد تا آخرین قطره خون، نه مردانه که رشادتش ریایی که زنانه و انسانی، از جنسی نو، با مژده برابری انسانها حتی در میانه میدان کار و کارزار.

آری از بین آن بزرگان و عزیزان همیشه ماندگار، من از مرضیه احمدی اسکویی سخن می‌گویم، یکی از پیشروان این نسل تازه با بشراتی نو و اندیشه‌یی نوین. او در سال ۱۳۲۴ در اسکو، شهر کوچکی از توابع تبریز در خانواده‌یی متوسط متولد شد. بنا بر نوشته‌های اندکی که از او مانده کودکی را با کار در مزرعه و بازی با هم سن و سالهای فقیر همسایه سپری کرده‌است. از همان

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان‌کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان‌کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان‌کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین‌المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

## آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

## چنگ خبر

اخبار روزانه را در چنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com

## اعتراض گسترده دانشجویان در فرانسه

بقیه از صفحه ۶

از سال ۱۹۵۸ تا کنون، برای اولین بار است که دانشگاه سوربون توسط دانشجویان در اعتراض به سیاستهای اشغال می‌شود.

این قانون کار که شامل جوانان زیر ۲۶ سال می‌شود توسط دومینیک دوویل پنت نخست وزیر به پارلمان اراه و تصویب شده است. این قانون دوره استخدامی آزمایشی برای جوانان زیر ۲۶ سال را مدت ۲ سال اعلام کرده و کارفرما می‌تواند بدون هیچ دلیلی و در خلال این دوره دو ساله، کارگر جوان را از کار اخراج کند. پلیس ضد شورش فرانسه در حمله به معترضان از گاز اشک آور و باتوم استفاده کرده و در تظاهراتی که روز شنبه ۱۸ مارس صورت گرفت یکی از تظاهرکنندگان که از التروندیالیستها بود در اثر ضرب و شتم پلیس به حالت اغماء افتاد. معترضان این قانون را باعث عدم امنیت کار می‌دانند. سندیکاها اولین شرط مذاکره را بیرون کشیدن این قانون از قوانین کار می‌دانند در حالی که نخست وزیر بر روی این قانون تاکید کرده و حاضر به عقب نشینی نیست. بنا به فراهوان سندیکاها قرار است روز سه شنبه ۲۸ مارس تظاهراتی بزرگتر و سراسری صورت گیرد که کارکنان بخشهای مختلف به آن خواهند پیوست.

# NABARD - E - KHALGH

No : 249 21.Mars. 2006 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## بر تارک تاریخ

جعفر پویه

نقل. روزنامه الکترونیکی مجاهد  
ضمیمه فرهنگی و ادبی ندا

در بزرگداشت رفیق مرضیه احمدی اسکویی

من یک زنم،

زنی که مُرادف مفهومش،

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود

شما

وجود ندارد.

زنی که در سینه اش دلی،

آکنده از زخمهای چرکین

خشم است.

زنی که در چشمانش،

انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی

موج می‌زند.

زنی که دستانش را کار،

برای گرفتن سلاح پرورده است.\*

میهن من سرزمینی است که آسمان  
شبهایش میهمانی مهابت است با حضور  
پرشور هزاران ستاره. در شبهایی روشنتر از  
روز، در سوسوی امیدبخش انجمن ستاره  
های نقره‌یی، مراسمی دلربا برپاست. در  
شکوه چنین شبی همنوایی ارکستر  
زنجرهایی که از شوق حضور این جمع به  
هلله در آمده اند فضا را رنگین می‌کنند، و  
آواز غوکهای سر بر برگی نهاده تنور این  
همسرایان است. در ضمیر این چنین شبی  
آسوده تنی پرامید با چشمانی جستجوگر به  
دنبال ستاره‌یی آشناست تا با او رازی را در  
میان نهد. در زیر طاق چنین آسمانی، دل‌های  
پر از شوق و شور، منتظران صبح یاند که از  
راه می‌رسد و آفتابی که بی‌دریغ میتابد و  
وعده وفا می‌کند.

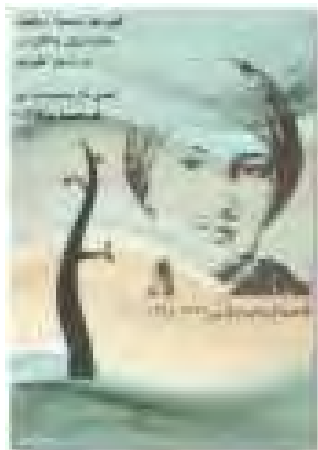
نیست، عملی است انسانی تا  
تیاهی را برنتابی. از همین‌رو،  
آن‌جا سر در راه عدالت و ریشه  
کنی ظلم نهادن، نه جنسیت  
می‌شناسد و نه قومیت. زیرا  
مردمانش گردن به تیغ عدو وا  
نمی‌نهند. نمونه‌های بسیار  
است. از شاهنامه شاهد مثال  
می‌آورم.

در ترکتازی تورانیان از شرق  
برشوریده، جوانی از سلاله  
مردمی که تن را رنجور  
نمی‌خواهند، بالیده و سترگ با  
نشانی از دلیری در سیما و رخ،  
بر آمده و دست تطاول بر زمین  
نیاکان خویش گشوده است. بر  
حرکت قشونش که متجاوز  
است، دلاوری ره می‌بندد. با امید  
برشکستن آنان میدان رزم  
می‌آریند و در میانه میدان در  
چایگاه بزرگان و یلان، آن دلیر  
گرد جولان می‌دهد و به رسم  
پهلوانان روزگار میدان‌داری  
می‌کند و رجز می‌خواند. هم‌اورد  
می‌طلبد و دشمن را با هیبت  
کلام خویش خاکسار می‌کند. از  
میان لشگر صف کشیده در  
سمت دیگر میدان قوی‌ترینشان  
را به هم‌اوردی می‌طلبد تا دلیری  
و رزمندگی او را بیازماید. فرمانده  
آن سو، سهراب پور رستم،  
پهلوان بی‌همتای ایرانی است.  
اما کسی را از نیای او آگاهی  
نیست. به میدان می‌کشد او را  
بلند بالای رزمنده بر توسن تیز  
پای استوار. غریب دلیری او راه را  
بر پهلوان سمگان می‌بندد و در  
دور دوم پنجه در افکندن کلاه  
خود از سر سوار زره‌پوش میدان  
دار، سهراب در می‌کشد. به  
ناگهان خورشیدی دیگر در میانه  
میدان طلوع می‌کند و زلف  
پرچین و شکن گردآفرید پریشان  
می‌شود. مات و میهوت لشگر  
مهاجم، زنی از سلاله دلیران را  
در میانه می‌یابد که با یلان و  
گردان نرد پهلوانی می‌بازد و  
دشمن را درماده شهامت خویش  
می‌کند. و زخمی نه‌چندان کاری

این‌گونه میهن من شبهایش نیز  
بی‌سکوت و بی‌پرواست. پایهای رونده  
شب نوردانش هراسی از تاریکی  
ندارند. زیرا ظلمت را با همراهی  
ستاره‌ها می‌پیمایند. مهتاب آن‌جا  
نشانی از روشنی چهره زیبایی است  
که با چشمانی به در، در انتظارند، و  
آوازه‌ای سگانش ندای بیداری‌یی  
است که حضور غریب آشنای شبنورد  
را مژده می‌دهد. اما خشمی در آن  
نیست، زیرا این رفیق دیر آشنا و باوفا  
بوی مه‌ری که دل رهنورد از آن  
لبریز است را می‌شناسد. خاک نمناک  
شخم خورده زمینهای ما بوی  
مهربانی می‌دهد و از شیر گرم  
گوسفندان کوهسارانمان بخار  
عطرافشان میهمان‌نازی ایلیاتی بر  
می‌خیزد. که داشت و نداشتش را  
تحفه حضور رهروی می‌کند. باغهای  
بی‌درو پیکر نشان از بی‌مرزی دوست  
داشتنهایی دارد که هويت شرعی  
مردمی محبوب را گواهند.

افسانه‌های سینه به‌سینه سرزمین من  
لبریز است از مهربانها و رشادت و  
پرسر تعهد پیمان ماندن. پیمان‌شکنان  
آن‌جا دشمن‌اند و از قبیله دیوان و  
دخان. آن‌جا رزم اسطوره‌ها برای دفاع  
از ایزدانی است که مهر و دوستی را  
پاسبانند. مهر آن‌جا نام خورشید است.  
که او هم نشانی است از بی‌شائبه  
دوست داشتنها و بی‌مدعا تاییدن به  
همه تا حد اشباع، تا همگان را از خود  
لبریز کند.

اسطوره‌هایی که تن به تاریخ  
می‌سایند راویان واقعیاتی هستند که  
در این پهنه «ورا و ماورای دو سلسله  
جبال البرز و زاگرس» در رگهای  
زندگی جاری است. شاهنامه نه  
حکایت شاهان و حاکمان بلکه نقل و  
حکایت مردمان است برای حفظ  
هویت انسانی خود، نقل‌های نسل به  
نسل و سینه به‌سینه می‌رود و هرکس  
نشانیهای دل بستگی خود را در آن  
می‌جوید. همان‌گونه که من نیز.  
در دیار ما هرگاه بساط ظلم دامن  
گسترانیده و بیداد حاکمان کهنتر و  
مهنتر را آماج تیر طعنه بی‌مروتی  
کرده. به قیام برخاستن و به رود  
همیشه جاری شورش پیوستن شعار



به سهراب هدیه می‌کند، پاداش  
برملاکردن رازش.

چه اسطوره باشد چه داستان و افسانه این  
مجلس شاهنامه: گویای واقعی است  
درخور تأمل. زیرا وقتی که دشمن و پلیدی  
و پلشتی بر آمد و مردمان را خوار خواست  
کردن. اهالی این دیار جنس و جنسیت را  
به‌کناری نهاده و دست در دست هم چنان  
به میدان در آمده‌اند که چشمان مهاجمان  
و ظالمان از دیدن آن به حیرت افتاده و بر  
حضور آنان آفرین کرده‌اند. خصوصاً که  
زنانشان نه مستوره و پوشیده که مدعیانی  
از جنس دلیرانند. و اندرز کسانی را که هنر  
نشستن و زائیدن شیران نر را بدانان  
میدول کرده‌اند، نه تنها به‌گوش نگرفته و  
نمی‌گیرند، بلکه پای را از آن هم فراتر  
گذاشته ادعای برتری دارند. حتی اگر پور  
رستم و نواده زال باشی و اوصاف  
پهلوانیهات هفت اقلیم را در نور دیده  
باشد.

از اسطوره و افسانه به تاریخ معاصر نقب  
می‌زنم و در مبارزه برای عدالت و قانون در  
جنبش مشروطه، هنگامی که تبریز به  
محاصره مستبدین و دشمنان مشروطیت  
درآمد. مجاهدان مشروطه در امیرخیز  
تبریز کمر بستند که تا آخرین قطره خون  
از آزادی دفاع کنند؛ که کردند و کمر  
مستبدین را شکستند. اما در گرما گرم  
دفاع از شهر هنگامی که تعدادی از  
مبارزان خط مقدم جبهه زخم برداشتند و  
برای مداوا به بهداری بقیه در صفحه ۱۹

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی — زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم